

# چارچوب ابزارمحور تنظیم‌گری پلتفرم‌ها در ایران؛ تشخیص مسئله و طراحی بسته‌های سیاستی

سمیه لبافی\*

دکتری مدیریت رسانه

دانشیار پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۰۸

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۲ روز نزد پدیدآوران بوده است.

## چکیده:

هدف: گسترش پلتفرم‌های دیجیتال در اقتصاد و جامعه معاصر، مرز میان بازار، رسانه، زیرساخت، داده و خدمات عمومی را دگرگون کرده و مسئله تنظیم‌گری پلتفرم‌ها را به یکی از موضوعات اصلی حکمرانی دیجیتال تبدیل کرده است. پلتفرم‌ها به دلیل برخورداری از اثرات شبکه‌ای، صرفه ناشی از مقیاس، امکان گردآوری و تحلیل داده و قدرت تعیین قواعد تعامل کاربران، صرفاً واسطه‌های فناورانه نیستند؛ بلکه به بازیگرانی تبدیل شده‌اند که در عمل بخشی از نقش تنظیم‌گری خصوصی را بر عهده دارند. هدف مقاله حاضر طراحی یک چارچوب ابزارمحور برای تنظیم‌گری پلتفرم‌ها در ایران است؛ چارچوبی که بتواند میان تشخیص مسئله، انتخاب منطق مداخله و طراحی بسته سیاستی پیوند برقرار کند.

روش: مقاله با رویکرد کیفی و بر پایه تحلیل اسناد سیاستی، مرور ادبیات نظری، مقایسه تطبیقی تجربه‌های منتخب بین‌المللی و تحلیل داده‌های میدانی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان تنظیم‌گری، رسانه، حقوق ارتباطات و حکمرانی پلتفرمی، تدوین شده است. در بخش اسنادی، اسناد مرتبط با شورای عالی فضای مجازی، شبکه ملی اطلاعات، مقررات ساترا، طرح‌های مرتبط با خدمات پایه کاربردی و گزارش‌های رسمی حوزه اقتصاد دیجیتال بررسی شدند. در بخش تطبیقی، تجربه‌هایی مانند اتحادیه اروپا، بریتانیا، هند، استرالیا و آمریکا در حوزه‌هایی چون شفافیت، مسئولیت پلتفرم، ایمنی کاربر، رقابت، حفاظت داده و سازوکارهای شکایت مورد توجه قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها با منطق تحلیل محتوای کیفی، کدگذاری مفهومی و تجمیع مقوله‌ها انجام شده است. مصاحبه‌ها با ده نفر، در آبان و آذر ۱۴۰۴ و به مدت تقریبی ۵۰ تا ۷۰ دقیقه انجام و از طریق یادداشت‌برداری ثبت شدند. کدها نیز توسط دو نفر از مشارکت‌کنندگان بازبینی شد.

نشریه علمی (رتبه بین‌المللی)  
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران  
شاپا (چاپی) ۸۲۲۳-۲۲۵۱  
شاپا (الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۲۵۱  
نمایه در SCOPUS، LISTA و ISC  
<http://jipm.irandoc.ac.ir>  
دوره XX | شماره X | صص XX-XX  
۱۳XX X

## نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(لبافی، زودآیند)

در فهرست منابع:

لبافی، سمیه زودآیند. چارچوب ابزارمحور تنظیم‌گری پلتفرم‌ها در ایران؛ تشخیص مسئله و طراحی بسته‌های سیاستی پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات.

<http://jipm.irandoc.ac.ir> (دسترسی در

روز/ماه/سال)

یافته‌ها: مضامین استخراج شده از مصاحبه‌ها بر ابهام سازوکار توصیه محتوا، نگرانی نسبت به نحوه‌ی نگهداری داده، پیوند قانون و نظارت و ضرورت مشارکت پلتفرم‌ها دلالت دارند. این مضامین در کنار تحلیل اسناد و تجربه‌های منتخب، مبنای پیشنهاد ابزارهای سیاستی قرار گرفتند. در عین حال، اسناد داخلی به حریم خصوصی، حقوق کاربر و مسئولیت نهادی نیز تصریح دارند؛ از این رو، از یافته‌های این پژوهش نمی‌توان فقدان این مؤلفه‌ها، میزان اعتماد عمومی یا غلبه‌ی یک نوع ابزار در کل نظام تنظیم‌گری را نتیجه گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری: نوآوری اصلی این پژوهش، ارائه یک جعبه‌ابزار سیاستی شامل شش بسته اصلی است. این بسته‌ها عبارت‌اند از شفافیت الگوریتمی و گزارش‌دهی، حفاظت داده و حریم خصوصی، تنظیم رقابت و مقابله با انحصار، تنظیم محتوای کاربرساخته، خودتنظیمی و هم‌تنظیمی و تقویت ظرفیت نهادی تنظیم‌گر. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تنظیم‌گری پلتفرم‌ها در ایران نیازمند آن است که تنظیم‌گر بتواند بر اساس نوع مسئله، سطح خطر، ظرفیت نهادی و پیامدهای اجتماعی، ترکیب متناسبی از ابزارها را انتخاب و در قالب چرخه‌ای یادگیرنده اجرا کند. چارچوب پیشنهادی، محصول تلفیق تحلیلی شواهد و طراحی سیاستی است و اثربخشی آن نیازمند ارزیابی اجرایی است.

**کلیدواژه‌ها:** تنظیم‌گری پلتفرم‌ها؛ حکمرانی دیجیتال؛ جعبه‌ابزار سیاستی؛ شفافیت الگوریتمی؛ حاکمیت داده.

\*سمیه لبافی Labafi@irandoc.ac.ir

## ۱. مقدمه

پلتفرم‌های دیجیتال در دو دهه اخیر از سطح ابزارهای فناورانه فراتر رفته و به زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و ارتباطی جوامع تبدیل شده‌اند. در گذشته، بسیاری از خدمات دیجیتال به‌عنوان واسطه‌هایی برای کاهش هزینه مبادله، تسهیل ارتباط یا افزایش دسترسی به بازار فهم می‌شدند؛ اما امروز پلتفرم‌ها در بسیاری از حوزه‌ها نقش دروازه‌بان، بازارساز، توزیع‌کننده محتوا، گردآورنده داده و حتی تعیین‌کننده قواعد رفتاری کاربران را ایفا می‌کنند. این دگرگونی، مسئله سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری پلتفرم‌ها را از یک بحث فنی یا بخشی به مسئله‌ای بنیادین در حکمرانی عمومی تبدیل کرده است. پلتفرم‌ها به دلیل اثرات شبکه‌ای، صرفه ناشی از مقیاس، توان جذب و کنترل داده و امکان تعیین قواعد دسترسی، می‌توانند در مدت زمانی کوتاه به موقعیت‌های مسلط برسند و بر رقابت، حریم خصوصی، فرهنگ عمومی، کیفیت خدمات، حقوق مصرف‌کننده و حتی الگوهای مشارکت اجتماعی اثر بگذارند (فلو و مارتین، ۲۰۲۲؛ دگن و گلیس، ۲۰۲۵).

اهمیت مسئله زمانی آشکارتر می‌شود که به نقش دوگانه پلتفرم‌ها توجه شود. از یک سو، آن‌ها امکان نوآوری، خلق ارزش توزیع شده، کاهش هزینه مبادله، دسترسی گسترده‌تر به خدمات و شکل‌گیری بازارهای جدید را فراهم می‌کنند. از سوی دیگر، همین پلتفرم‌ها به واسطه قدرت داده‌ای، الگوریتمی و شبکه‌ای خود می‌توانند قواعد تعامل را به گونه‌ای تنظیم کنند که منافع عمومی، رقابت سالم یا حقوق کاربران در معرض آسیب قرار گیرد. پلتفرم‌ها در عمل به «تنظیم گران خصوصی» اکوسیستم‌های خود تبدیل می‌شوند؛ زیرا می‌توانند تصمیم بگیرند چه محتوایی دیده شود، چه داده‌ای گردآوری شود، چه کسب و کاری به بازار دسترسی یابد، چه حسابی محدود شود و چه نوع رابطه‌ای میان کاربر، ارائه‌دهنده خدمت و نهادهای عمومی برقرار گردد. از این منظر، تنظیم گری پلتفرم‌ها صرفاً به معنای کنترل محتوا یا صدور مجوز نیست؛ بلکه به معنای طراحی قواعدی برای مهار قدرت پلتفرمی، تقویت پاسخ‌گویی و حفاظت از منافع عمومی است (گوروا، ۲۰۱۹؛ پاپیس، ۲۰۱۰).

در ایران نیز با گسترش پلتفرم‌های ارتباطی، رسانه‌ای، خدماتی و اقتصادی، مسئله‌ی تنظیم گری وارد دستور کار نهادهای سیاست‌گذار شده است. اسنادی مانند سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی و سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی، توجه به حمایت از خدمات داخلی، حریم خصوصی، حقوق عمومی و تقسیم مسئولیت را نشان می‌دهند (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۶؛ شورای عالی فضای مجازی، ۱۴۰۱). مسئله‌ی مورد بررسی، چگونگی اتصال این جهت‌گیری‌ها به ابزارهای اجرایی و پاسخ‌گویی است. صرف تعدد اسناد و دستگاه‌ها، تعارض صلاحیت یا ناکارآمدی را اثبات نمی‌کند؛ چنین داوری‌ای به بررسی مصادیق تصمیم و اجرا نیاز دارد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که چگونه می‌توان برای تنظیم گری پلتفرم‌ها در ایران، چارچوبی طراحی کرد که از سطح توصیه‌های کلی فراتر رود و به تنظیم گری امکان‌دهد از تشخیص مسئله به انتخاب ابزار مناسب و سپس طراحی بسته سیاستی برسد. اهمیت این پرسش در یافتن ترکیبی از ابزارهاست که هم از نوآوری و رقابت حمایت کند و هم امکان حفاظت از حقوق کاربران و منافع عمومی را فراهم آورد. در سطح طراحی سیاست، یکی از گزینه‌های قابل بررسی، طراحی یک نظام تنظیم گری ترکیبی است؛ نظامی که در آن ابزارهای سخت، نرم، هم‌تنظیمی، فناوریانه، اقتصادی و شفافیت‌محور به صورت متناسب و مسئله‌محور به کار گرفته شوند (پارلمان و شورای اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۲۲الف؛ گریفین، ۲۰۲۴).

پژوهش حاضر، تلاش می‌کند یافته‌های نظری، اسنادی، تطبیقی و میدانی را در چارچوبی

منسجم به هم پیوند دهد. سهم اصلی مقاله، انتقال بحث از «ضرورت تنظیم گری» به «طراحی ابزارهای تنظیم گری» است. به بیان دیگر، مقاله بر این فرض استوار است که تبدیل سیاست به اقدام، علاوه بر وجود قاعده، به منطق انتخاب ابزار، ظرفیت نهادی، شفافیت و مشارکت ذی نفعان نیاز دارد. بنابراین، پژوهش با معرفی جعبه ابزار سیاستی و بسته های موضوع محور، مدلی ارائه می کند که می تواند برای تصمیم سازی سازمان های تنظیم گر در ایران مورد استفاده قرار گیرد. این سهم در امتداد چارچوب مسئله محور ارائه شده از سوی نرون و همکاران (۲۰۱۸) قرار می گیرد؛ ارزیابی برتری اجرایی مدل نیز به پژوهشی مستقل نیاز دارد.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهشی پلتفرم ها از چند مسیر نظری شکل گرفته است. در اقتصاد دیجیتال، پلتفرم ها معمولاً به عنوان بازارهای چندوجهی شناخته می شوند؛ یعنی ساختارهایی که گروه های مختلف کاربر، تولید کننده، توسعه دهنده، تبلیغ دهنده یا مصرف کننده را به هم متصل می کنند و از طریق اثرات شبکه ارزش خلق می کنند (فلو و مارتین، ۲۰۲۲). اثر شبکه ای بدین معناست که افزایش تعداد کاربران در یک سمت بازار، ارزش پلتفرم را برای کاربران سمت دیگر افزایش می دهد. این ویژگی می تواند رشد سریع، مقیاس پذیری بالا و مزیت رقابتی چشمگیر ایجاد کند؛ اما در عین حال، خطر تمرکز بازار، قفل شدگی کاربران و دشواری ورود رقبای جدید را نیز افزایش می دهد. از این منظر، پلتفرم ها صرفاً کانال های مبادله نیستند؛ بلکه ساختارهایی هستند که معماری بازار، قواعد دسترسی، اطلاعات قابل مشاهده و امکان رقابت را تعریف می کنند.

در رویکرد اجتماعی و ارتباطی، پلتفرم ها به عنوان بسترهای معناسازی، توزیع محتوا و شکل دهی به تعاملات اجتماعی فهم می شوند. این رویکرد بر آن تأکید دارد که پلتفرم ها فقط بازار نیستند؛ بلکه در تولید فرهنگ، جریان اطلاعات، الگوهای دیده شدن و حتی شکل گیری افکار عمومی نقش دارند (هلبرگر، ۲۰۲۰). الگوریتم های توصیه گر، نظام های رتبه بندی، سیاست های حذف یا محدودسازی محتوا و قواعد تبلیغات، همگی در تعیین اینکه چه چیزی دیده شود و چه چیزی به حاشیه رود، اثر گذارند. از این منظر، حکمرانی پلتفرم ها به حوزه رسانه، فرهنگ و حقوق عمومی پیوند می خورد و نمی توان آن را صرفاً در چارچوب رقابت اقتصادی تحلیل کرد.

رویکرد حکمرانی رسانه در اثر پاپیس (۲۰۱۰)، مبنای مناسبی برای فهم نقش بازیگران مختلف در اداره ی پلتفرم ها فراهم می کند. در این رویکرد، حکمرانی رسانه به جای تمرکز صرف بر دولت، مجموعه ای از سازوکارهای رسمی و غیررسمی، دولتی و غیردولتی، ملی و فراملی را در بر می گیرد. در فضای پلتفرمی، این شبکه حکمرانی پیچیده تر می شود؛ زیرا علاوه بر دولت و

نهادهای تنظیم‌گر، شرکت‌های پلتفرمی، کاربران، کسب‌وکارهای وابسته، نهادهای مدنی، الگوریتم‌ها و سازوکارهای فنی نیز در شکل‌دهی به رفتار و تصمیم نقش دارند. بنابراین، تنظیم‌گری پلتفرم‌ها نمی‌تواند تنها با دستورهای حقوقی و عمودی انجام شود؛ بلکه نیازمند ترکیبی از الزام، شفافیت، پایش، مشارکت، پاسخ‌گویی و یادگیری نهادی است.

در پیشینه مطالعات مرتبط با تنظیم‌گری، دو منطق بنیادین شکست بازار و منطق منافع عمومی برای مداخله دولت یا تنظیم‌گر مطرح است. منطق شکست بازار بر مواردی مانند انحصار، اثرات بیرونی منفی، عدم تقارن اطلاعات، سوءاستفاده از قدرت بازار و کاهش رقابت تمرکز دارد (نورن و همکاران، ۲۰۱۸). در حوزه پلتفرم‌ها، این شکست‌ها می‌توانند در قالب رفتارهای ضد رقابتی، ترجیح‌دهی پلتفرم به خدمات خود، قفل‌شدگی کاربر، انباشت بی‌ضابطه داده یا تبعیض الگوریتمی بروز کنند. منطق منافع عمومی، علاوه بر مسائل اقتصادی، ارزش‌هایی مانند آزادی بیان، حریم خصوصی، تنوع فرهنگی، امنیت کاربر، حمایت از کودکان، عدالت دسترسی و اعتماد عمومی را نیز مبنای مداخله می‌داند (توریلاتسی و همکاران، ۲۰۲۳). از این منظر، تنظیم‌گری پلتفرم‌ها باید همزمان به بازار، جامعه، فرهنگ و حقوق کاربران توجه کند.

پژوهش‌های حکمرانی پلتفرم به نقش هم‌زمان دولت، شرکت‌ها و جامعه‌ی مدنی در شکل‌دهی به قواعد توجه دارند. گورو (۲۰۱۹) با مفهوم «مثلث حکمرانی پلتفرم»، این روابط را توضیح می‌دهد. هلیرگر (۲۰۲۰) نیز هشدار می‌دهد که برخی مداخلات، با تقویت نقش پلتفرم در اداره‌ی گفتار آنلاین، ممکن است قدرت آن را بازتولید کنند. دگن و گلیس (۲۰۲۵) با بررسی ۸۷ پرونده‌ی تحقیق و تصمیم تنظیم‌گری در آمریکا و اروپا، چهار گونه‌ی حکمرانی پلتفرم را شناسایی می‌کنند و بر انتخاب مداخله متناسب با ویژگی‌های هر گونه تأکید دارند. از این منظر، اندازه‌ی پلتفرم به تنهایی مبنای کافی برای تعیین تکلیف نیست و شیوه‌ی اداره‌ی آن نیز اهمیت دارد. دلالت این مطالعات برای پژوهش حاضر، ضرورت پیوند دادن انتخاب ابزار به نوع مسئله، توزیع اختیار و آثار ناخواسته‌ی مداخله است.

در مطالعات جدید، توجه به ابزارهای اجرایی با بحث درباره‌ی حقوق کاربران همراه شده است. توریلاتسی و همکاران (۲۰۲۳) با مرور ادبیات و اسناد مربوط به پیشنهاد اولیه‌ی قانون خدمات دیجیتال، پیامدهای اخلاقی، حقوقی و اجتماعی آن را بررسی می‌کنند. تحلیل آنان نشان می‌دهد که ارزیابی یک چارچوب تنظیم‌گری به سنجش تکالیف شرکت‌ها محدود نمی‌شود و باید حقوق بنیادین، حریم خصوصی و منافع ذی‌نفعان مختلف را نیز در بر گیرد. این مطالعه، تحلیلی از مبانی و پیامدهای مورد انتظار قانون است، نه ارزیابی تجربی نتایج اجرای آن. در زمینه‌ی شفافیت،

سودرلوند و همکاران (۲۰۲۴) میان اطلاعاتی که برای آگاهی کاربر ارائه می‌شود و اطلاعاتی که امکان نظارت نهاد تنظیم‌گر را فراهم می‌کند، تمایز می‌گذارند. لیرسن (۲۰۲۴) نیز استدلال می‌کند که افشای اطلاعات فنی درباره‌ی الگوریتم، به‌تنهایی برای شناخت عملکرد پلتفرم کافی نیست و باید امکان مشاهده و بررسی مستمر تصمیم‌ها و پیامدهای آن‌ها وجود داشته باشد. بنابراین، در طراحی ابزار شفافیت باید مخاطب اطلاعات، نوع دسترسی و امکان استفاده از آن برای رسیدگی و نظارت مشخص شود.

گریفین (۲۰۲۴) در بررسی منشورهای رفتاری قانون خدمات دیجیتال، ظرفیت آن‌ها را برای تعیین تعهدات مشخص و مشارکت ذی‌نفعان توضیح می‌دهد؛ در عین حال، به خطر نفوذ شرکت‌ها بر فرایند تدوین قواعد و ابهام در پاسخ‌گویی توجه دارد. او در مطالعه‌ی دیگری هشدار می‌دهد که اتکای تنظیم‌گری به مدیریت خطر درون شرکت‌ها ممکن است تشخیص مسائل عمومی را بیش از حد به خود پلتفرم‌ها واگذار کند (گریفین، ۲۰۲۵). این دو مطالعه، لزوم همراه کردن مشارکت صنعت با نظارت مستقل و امکان اعتراض را برجسته می‌کنند.

در تجربه‌های منتخب، ترکیب تکالیف حقوقی، شفافیت، ارزیابی خطر و سازوکار شکایت قابل مشاهده است. قانون خدمات دیجیتال اتحادیه‌ی اروپا، تکالیف متفاوتی برای خدمات مختلف دارد؛ ارزیابی خطر نظام‌مند، ممیزی و برخی دسترسی‌های داده‌ای به خدمات بسیار بزرگ مشمول مربوط می‌شوند و تکلیف یکسان تمام پلتفرم‌ها نیستند (پارلمان و شورای اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۲۲). قانون بازارهای دیجیتال به دروازمبلمان تعیین شده می‌پردازد (پارلمان و شورای اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۲۲). قانون بریتانیا بر ایمنی و تکالیف فرایندی تمرکز دارد (پارلمان بریتانیا، ۲۰۲۳). در آمریکا، ماده‌ی ۲۳۰ حدودی از مسئولیت واسطه را تعریف می‌کند و به‌تنهایی نماینده‌ی تمام تنظیم‌گری این کشور نیست (کنگره‌ی ایالات متحده، ۲۰۱۸). هند و استرالیا نیز برای مقایسه‌ی مسئول پاسخ‌گویی و کدهای صنعت بررسی می‌شوند (وزارت الکترونیک و فناوری اطلاعات هند، ۲۰۲۲؛ پارلمان استرالیا، ۲۰۲۴).

در ایران، پیشینه پژوهش و سیاست‌گذاری پلتفرم‌ها هنوز در حال شکل‌گیری است. برخی پژوهش‌ها بر خودتنظیمی و نقش صنعت در حکمرانی پلتفرم‌های ویدئویی تأکید کرده‌اند (قاسم‌زاده عراقی، خجسته و سلمانی شاه‌محمدی، ۱۴۰۰). برخی دیگر مسئله مسئولیت پلتفرم‌ها در نشر محتوای نامناسب و چالش قانون‌گذاری در فضای مجازی را بررسی کرده‌اند (گیلپی، ۱۴۰۰). مطالعاتی نیز با رویکرد نهادی، هزینه‌های مبادله در تنظیم‌گری اکوسیستم پلتفرم‌های رسانه‌ای را تحلیل کرده‌اند (مرادی و همکاران، ۱۴۰۳). خلیلی و همکاران (۱۴۰۰) نیز سیاست‌گذاری

کسب‌وکارهای پلتفرمی را در ارتباط با منافع عمومی بررسی کرده‌اند. مقیمی سارانی و همکاران (۱۴۰۴) نیز در بررسی حق فراموشی، به دشواری ایجاد توازن میان آزادی بیان و حفاظت از حریت افراد و لزوم تضمین‌های حقوقی در تنظیم‌گری پلتفرم‌ها توجه کرده‌اند. در پژوهش حاضر، تمرکز بر پیوند میان مسئله، ابزار و شیوه‌ی اجرا است.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و ماهیت کاربردی - توسعه‌ای تدوین شده است. کاربردی بودن پژوهش از آن جهت است که خروجی آن صرفاً تبیین نظری مسئله نیست، بلکه می‌کوشد چارچوبی قابل استفاده برای سازمان‌های تنظیم‌گر، سیاست‌گذاران و نهادهای درگیر در حکمرانی پلتفرم‌ها ارائه کند. توسعه‌ای بودن پژوهش نیز به این دلیل است که مسئله تنظیم‌گری پلتفرم‌ها در ایران هنوز با خلأهای مفهومی، نهادی و ابزاری روبه‌روست و نیازمند ارائه مدل‌های بومی‌شده، نه صرفاً اقتباس مستقیم از تجربه‌های خارجی است. بر این اساس، روش پژوهش ترکیبی از مرور ادبیات، تحلیل اسناد سیاستی، مطالعه تطبیقی و تحلیل داده‌های میدانی حاصل از مصاحبه با خبرگان است.

در مرحله نخست، ادبیات نظری و سیاستی مرتبط با پلتفرم‌ها، حکمرانی رسانه، تنظیم‌گری دیجیتال، مسئولیت واسطه‌ها، شفافیت الگوریتمی، حفاظت داده، رقابت و هم‌تنظیمی مرور شد. هدف از این مرحله، استخراج مفاهیم و مقوله‌هایی بود که بتوانند چارچوب اولیه تحلیل را شکل دهند. مفاهیمی مانند اثر شبکه‌ای، بازار چندوجهی، قدرت پلتفرمی، تنظیم‌گر خصوصی، منافع عمومی، شکست بازار، شفافیت، اعتماد، پاسخ‌گویی، حاکمیت داده و خودتنظیمی در این مرحله برجسته شدند. همچنین پژوهش‌های خارجی به‌ویژه تجربه اتحادیه اروپا، بریتانیا، آمریکا، هند و استرالیا برای شناسایی روندهای سیاستی مورد استفاده قرار گرفت. انتخاب پنج حوزه‌ی سیاستی هدفمند و برای تنوع سازوکارهاست. اتحادیه‌ی اروپا برای تفکیک خدمات، رقابت و داده؛ بریتانیا برای تکالیف ایمنی؛ آمریکا برای حدود مسئولیت واسطه؛ هند برای مسئول شکایت؛ و استرالیا برای مشارکت صنعت تحت نظارت، انتخاب شدند. این انتخاب، رتبه‌بندی نظام‌ها یا نمایندگی آماری آن‌ها را هدف نمی‌گیرد. جست‌وجوی اسناد تطبیقی در وب‌سایت‌ها و منابع رسمی حوزه‌های حقوقی منتخب انجام شد. کلیدواژه‌ی اصلی «تنظیم‌گری پلتفرمی» همراه با نام هر کشور یا اتحادیه‌ی اروپا بود. اسناد مورد استناد و بندهای مرتبط با تحلیل در جدول ۱ (د: سند داخلی - خ: سند خارجی) معرفی شده‌اند.

در مرحله دوم، اسناد و مقررات داخلی مرتبط با تنظیم‌گری پلتفرم‌ها تحلیل شدند. این اسناد

شامل سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی، سند تبیین الزامات شبکه ملی اطلاعات، سند طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات، ضوابط ساترا برای رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر، طرح‌های مرتبط با خدمات پایه کاربردی فضای مجازی و گزارش‌های رسمی حوزه اقتصاد دیجیتال بود. تحلیل اسناد با منطق تحلیل محتوای کیفی انجام شد. ابتدا گزاره‌های سیاستی استخراج شدند، سپس برای هر گزاره کدهای باز و مضامین و مقوله‌های اصلی تعیین شد. در این پژوهش، کد اولیه بیان کوتاه محتوای یک گزاره است؛ کدهای مرتبط در یک مقوله قرار می‌گیرند و بسته‌ی سیاستی از ترکیب ابزارهای پیشنهادی برای پاسخ به مسئله تشکیل می‌شود. خانواده‌ی ابزار بر حسب کارکرد آن تعیین شده و از درجه‌ی الزام جداست؛ برای نمونه، حمایت مالی ابزاری اقتصادی است و گزارش شفافیت ممکن است الزام قانونی داشته باشد.

#### جدول ۱. اسناد سیاستی و حقوقی مورد استناد در تحلیل

| شناسه                                                            | عنوان و نسخه           | بند |
|------------------------------------------------------------------|------------------------|-----|
| مورد توجه                                                        | کاربرد                 |     |
| ۱د                                                               | ایران؛ مصوبه‌ی         |     |
| پیام‌رسان‌ها، ۱۳۹۶ (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۶)                 |                        |     |
| ماده‌ی ۱ (ج)؛ ماده‌ی ۲، بندهای ۲ و ۹؛ وظایف دستگاه‌ها            | رابطه‌ی حمایت، حقوق    |     |
| کاربر و مسئولیت                                                  |                        |     |
| ۲د                                                               | ایران؛ سند راهبردی،    |     |
| ۱۴۰۱ (شورای عالی فضای مجازی، ۱۴۰۱)                               |                        |     |
| ارزش‌ها؛ اهداف؛ جدول اقدامات، ردیف‌های ۳ و ۷                     | تعهدات کلان و تقسیم    |     |
| کار طراحی                                                        |                        |     |
| خ ۱                                                              | اتحادیه‌ی اروپا؛ قانون |     |
| خدمات دیجیتال، ۲۰۲۲ (پارلمان و شورای اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۲۲ الف)  |                        |     |
| مواد ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۷، ۳۴، ۳۷، ۴۰ و ۴۵                             | شفافیت؛ اعتراض؛        |     |
| تکالیف سطح‌بندی شده                                              |                        |     |
| خ ۲                                                              | اتحادیه‌ی اروپا؛ قانون |     |
| بازارهای دیجیتال، ۲۰۲۲ (پارلمان و شورای اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۲۲ ب) |                        |     |
| ماده‌ی ۶، بندهای ۵، ۹ و ۱۰؛ ماده‌ی ۷                             | رفتار دروازه‌بان و     |     |
| دسترسی به داده                                                   |                        |     |

- خ ۳ اتحادیه‌ی اروپا؛ مقررات  
عمومی حفاظت داده، ۲۰۱۶ (پارلمان و شورای اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۱۶)  
مواد ۵، ۱۲ تا ۱۵، ۱۷، ۲۰ و ۳۳  
پردازشگر/کنترل‌گر
- خ ۴ بریتانیا؛ قانون ایمنی  
آنلاین، متن مصوب ۲۰۲۳ (پارلمان بریتانیا، ۲۰۲۳)  
مواد ۹ تا ۱۲، ۲۰ تا ۲۳ و ۴۱ تا ۵۰  
آیین کار
- خ ۵ هند؛ قواعد واسطه‌ها،  
نسخه‌ی ۲۸ اکتبر ۲۰۲۲ (وزارت الکترونیک و فناوری اطلاعات هند، ۲۰۲۲)  
قاعده‌ی ۳ و قاعده‌ی ۴، بند ۱  
مسئول رسیدگی و  
گزارش انطباق
- خ ۶ استرالیا؛ قانون ایمنی  
آنلاین ۲۰۲۱، تجميع ۱۱ دسامبر ۲۰۲۴ (پارلمان استرالیا، ۲۰۲۴)  
بخش‌های ۲، ۳، ۴ و ۹  
صنعت
- خ ۷ آمریکا؛ ماده‌ی ۲۳۰  
عنوان ۴۷، با اصلاح ۲۰۱۸ (کنگره‌ی ایالات متحده، ۲۰۱۸)  
بندهای c و e  
حمایت محدود از واسطه  
و استثناها

در مرحله سوم، داده‌های میدانی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه تنظیم‌گری، رسانه، حقوق ارتباطات، سیاست‌گذاری دیجیتال، دانشگاه و تجربه‌های نزدیک به پلتفرم گردآوری شد. ده نفر در پژوهش مشارکت کردند. انتخاب مشارکت‌کنندگان هدفمند و با روش گلوله‌برفی و با در نظر گرفتن امکان دسترسی به خبرگان انجام شد تا دیدگاه‌های متنوعی از نهادهای حاکمیتی، تنظیم‌گر، دانشگاهی و پلتفرمی پوشش داده شود. منطق انتخاب نمونه، تنوع تجربه و ارتباط مستقیم با موضوع تنظیم‌گری پلتفرم‌ها بود. مصاحبه‌ها با تمرکز بر پرسش‌هایی درباره مسائل اصلی تنظیم‌گری در ایران، ابزارهای سیاستی موجود، خلأهای نهادی، امکان اجرای ابزارهای نرم و سخت، نقش شفافیت، ظرفیت تنظیم‌گر و جایگاه پلتفرم‌ها در هم‌تنظیمی انجام شد.

مصاحبه‌ها در آبان و آذر ۱۴۰۴ انجام شد و هر مصاحبه حدود ۵۰ تا ۷۰ دقیقه به طول انجامید. ثبت داده‌ها از طریق یادداشت‌برداری صورت گرفت. برای بررسی اعتبار تحلیل، کدها توسط دو نفر از مشارکت‌کنندگان بازبینی شد. در تبیین حجم نمونه باید به جایگاه مصاحبه‌ها در طرح پژوهش توجه کرد. هدف از این بخش، شناسایی مسائل و ملاحظات اجرایی تنظیم‌گری از منظر افراد دارای تجربه مرتبط بود، نه برآورد فراوانی دیدگاه‌ها یا تعمیم آماری نتایج به جامعه خبرگان. از این رو، منطبق انتخاب مشارکت‌کنندگان بر ارتباط تخصص و تجربه آنان با پرسش پژوهش و پوشش موقعیت‌های متفاوت دانشگاهی، حاکمیتی، تنظیم‌گری و پلتفرمی استوار بود. مصاحبه با ده مشارکت‌کننده در آبان و آذر ۱۴۰۴ انجام شد و داده‌های حاصل، در کنار ادبیات نظری و اسناد داخلی و خارجی، برای طراحی چارچوب پیشنهادی به کار رفت. بنابراین، شش بسته سیاستی محصول تلفیق این منابع‌اند و نباید آن‌ها را صرفاً حاصل مصاحبه‌ها دانست. مشخصات مشارکت‌کنندگان در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

| ردیف    | حوزه فعالیت<br>سابقه کاری (سال) نوع |
|---------|-------------------------------------|
| سازمان  |                                     |
| ۱       | تنظیم‌گری رسانه ۱۵<br>نهاد حاکمیتی  |
| ۲       | حقوق ارتباطات ۱۲<br>دانشگاه         |
| ۳       | سیاست‌گذار شبکه‌های                 |
| اجتماعی | ۱۰ نهاد تنظیم‌گر                    |
| ۴       | مدیریت رسانه ۸<br>دانشگاه           |
| ۵       | مدیریت رسانه ۱۴<br>دانشگاه          |
| ۶       | تنظیم‌گری رسانه ۵<br>نهاد تنظیم‌گر  |
| ۷       | مدیر پلتفرم ۳                       |

|               |    |
|---------------|----|
| پلتفرم        |    |
| مدیر پلتفرم   | ۲  |
| پلتفرم        |    |
| مدیر محصول    | ۵  |
| پلتفرم        |    |
| حقوق ارتباطات | ۱۸ |
| دانشگاه       |    |
|               | ۸  |
|               | ۹  |
|               | ۱۰ |

در تحلیل داده های میدانی، مضامینی مانند ابهام سازو کار توصیه محتوا، نگرانی نسبت به نحوه ی نگهداری داده، شکاف قانون و نظارت و مشارکت پلتفرم ها گزارش شده است. جدول ۳، چهار نمونه از گزاره های ثبت شده را همراه با کد مشارکت کننده، کد اولیه، مقوله و بسته ی سیاستی مرتبط نشان می دهد. کد «احساس ناامنی ناشی از ابهام نگهداری داده» به ادراک گزارش شده اشاره دارد و معادل اثبات ناامنی فنی نیست. توضیح اینکه در جدول زیر (خ) به معنای خبره ای است که مصاحبه با ایشان صورت گرفته است.

### جدول ۳. نمونه ی گزاره های مصاحبه، کدهای اولیه و مقوله ها

|                                                                                                   |                         |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------|
| گزاره و کد مشارکت کننده                                                                           | کد اولیه مقوله          |
|                                                                                                   | بسته ی مرتبط            |
| بزرگ ترین مشکل ما این است که نمی دانیم الگوریتم پلتفرم بر چه اساسی محتوا را بالا می کشد... (خ-۰۳) | ابهام مبنای توصیه محتوا |
|                                                                                                   | شفافیت و پاسخ گویی      |
|                                                                                                   | شفافیت الگوریتمی و      |

### گزارش دهی

|                                                                                |                    |
|--------------------------------------------------------------------------------|--------------------|
| وقتی کاربر نمی داند داده هایش کجا و چگونه ذخیره می شود، احساس ناامنی می کند.   |                    |
| احساس ناامنی ناشی از                                                           | (خ-۰۷)             |
| حریم خصوصی و                                                                   | ابهام نگهداری داده |
| حفاظت داده و حریم                                                              | ادراک امنیت        |
|                                                                                | خصوصی              |
| اگر فقط قانون بگذاریم ولی سازو کار نظارت نداشته باشیم، قانون روی کاغذ می ماند. |                    |
| فاصله ی قاعده و نظارت                                                          | (خ-۰۲)             |

ظرفیت نظارتی

ظرفیت نهادی تنظیم گر

بدون مشارکت خود پلتفرم ها، هیچ تنظیم گری در عمل موفق نمی شود. (خ-۰۵)

ضرورت مشارکت پلتفرم

حکمرانی مشارکتی

هم تنظیمی؛ با بررسی

حدود مشارکت

در مرحله ی جمع، مضامین مصاحبه ها در کنار یافته های اسنادی و نظری، در شش مقوله ی شفافیت و پاسخ گوئی، حفاظت داده و حریم خصوصی، تنظیم رقابت، تنظیم محتوا، حکمرانی مشارکتی و ظرفیت نهادی تنظیم گر دسته بندی شدند. جدول ۵ نشان می دهد که هر بسته بر چه شواهدی تکیه دارد و چگونه از آن ها برای پیشنهاد ابزار استفاده شده است. چهار گزاره ی جدول ۳، نمونه هایی از ارتباط داده های مصاحبه با مقوله ها هستند و همه ی اجزای شش بسته صرفاً از این چهار گزاره استخراج نشده اند.

#### ۴. یافته ها

یافته های پژوهش در چهار سطح بررسی می شوند: وضعیت اکوسیستم پلتفرمی ایران، نظام نهادی و ابزارهای موجود، مسائل تنظیم گری و جعبه ابزار سیاستی پیشنهادی. این سطوح به یکدیگر وابسته اند؛ زیرا نوع پلتفرم ها و کنشگران موجود، نوع مسئله های تنظیم گری را تعیین می کند و مسئله های تنظیم گری نیز بر انتخاب ابزارهای سیاستی اثر می گذارند. در ادامه، میان مضمون مصاحبه، حکم سند و پیشنهاد طراحی تمایز گذاشته شده تا دامنه ی هر نتیجه روشن باشد.

نخست، اکوسیستم پلتفرمی ایران را برای مقاصد این تحلیل می توان در چهار حوزه ی کارکردی بررسی کرد. پلتفرم های ارتباطی و اجتماعی، پلتفرم های محتوایی و رسانه ای، پلتفرم های خدماتی و اقتصادی، و پلتفرم های داده ای و زیرساختی. در دسته نخست، پیام رسان ها و شبکه های اجتماعی قرار دارند. در دسته دوم، خدمات صوت و تصویر فراگیر، خدمات نمایش درخواستی و بسترهای اشتراک ویدئو قرار می گیرند. دسته سوم شامل تاکسی های اینترنتی، فروشگاه های آنلاین، خدمات پرداخت و سایر بازارگاه های دیجیتال است. دسته چهارم نیز به موتورهای جست و جو، نقشه ها، خدمات میزبانی، مراکز داده و زیرساخت های مرتبط با حاکمیت داده مربوط می شود. این دسته بندی تحلیلی، طبقه بندی جامع بازار نیست؛ همچنین هر زیرساخت دیجیتال لزوماً

پلتفرم محسوب نمی‌شود. این تنوع نشان می‌دهد که تنظیم‌گری پلتفرم‌ها در ایران نباید با یک منطق واحد و یک ابزار ثابت انجام شود؛ زیرا مسئله یک پلتفرم محتوایی با مسئله یک پلتفرم حمل‌ونقل یا یک زیرساخت داده‌ای یکسان نیست.

در سطح نهادی، تعیین سیاست کلان، تدوین قاعده، اجرای تکلیف، نظارت و رسیدگی به اعتراض باید از یکدیگر تفکیک شوند. سند راهبردی فضای مجازی، در جدول اقدامات، مسئولیت‌هایی را برای طراحی نظام حقوقی و نظام حکمرانی داده مشخص می‌کند (شورای عالی فضای مجازی، ۱۴۰۱). از این حکم نمی‌توان صلاحیت عام یک دستگاه برای تمام مسائل پلتفرمی را نتیجه گرفت. برای طراحی سازوکار اجرایی باید مسئول هر اقدام و نحوه همکاری او با دیگر نهادها در حدود قوانین روشن شود؛ زیرا حضور چند سازمان لزوماً به معنای تعارض صلاحیت نیست.

در اسناد داخلی، ابزارهای الزام‌آور و حمایتی در کنار یکدیگر قرار دارند. مصوبه‌ی پیام‌رسان‌ها در ماده‌ی ۲، بندهای مربوط به مجوز و حمایت را در بر دارد و در ماده‌ی ۱، بند «ج»، به اعتمادسازی و صیانت از حقوق شهروندی و حریم خصوصی تصریح می‌کند؛ بند ۹ ماده‌ی ۲ نیز کنترل ارتباطات را جز موارد مصرح در قوانین و مصوبات شورای عالی امنیت ملی ممنوع می‌داند (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۶). این تنوع، ضرورت تفکیک کارکرد ابزار از درجه‌ی الزام را نشان می‌دهد.

در سطح تجربه‌ی گزارش‌شده، گزاره‌ی خ—۷ رابطه‌ی ابهام در نگهداری داده و احساس ناامنی را مطرح می‌کند. این گزاره، اهمیت توضیح نحوه‌ی نگهداری داده به کاربر را نشان می‌دهد، اما شاخص اندازه‌گیری اعتماد عمومی یا مدرک وقوع نشت داده نیست. در سطح اسنادی نیز اعتماد و حریم خصوصی در سند راهبردی آمده‌اند (شورای عالی فضای مجازی، ۱۴۰۱). بنابراین، پرسش سیاستی به چگونگی تبدیل این ارزش‌ها به فرایند اطلاع‌رسانی، رسیدگی و پاسخ‌گویی مربوط می‌شود. در بخش تطبیقی، سازوکارهایی مانند اعلام دلیل، شکایت، ممیزی، حقوق داده و محدودیت رفتار دروازه‌بان شناسایی می‌شوند. حدود کاربرد این ابزارها متفاوت است. در این پژوهش از آن‌ها برای توسعه‌ی گزینه‌های طراحی استفاده شده است.

در داده‌های مصاحبه‌ها، خ—۳ به نامشخص بودن سازوکار بالا آمدن محتوا اشاره می‌کند؛ خ—۷ نگرانی نسبت به نگهداری داده را بیان می‌کند؛ خ—۲ بر پیوند قانون و نظارت تأکید دارد؛ و خ—۵ مشارکت پلتفرم‌ها را ضروری می‌داند. این چهار شاهد به ترتیب به شفافیت، حفاظت داده، ظرفیت نظارت و مشارکت مربوط می‌شوند. جدول ۴، پاسخ به پرسش‌های پژوهش و حدود استناد

به این شواهد را خلاصه کرده است.

#### جدول ۴. پرسش‌های پژوهش، پاسخ تحلیلی و حدود شواهد

| پرسش                                       | پاسخ در پژوهش            |
|--------------------------------------------|--------------------------|
| چه مسائل و عناصر کلیدی مطرح‌اند؟           | محدودیت استنتاج          |
| پیوند قانون و نظارت، مشارکت؛ جدول ۳        | شفافیت، نگرانی داده،     |
| سنجش فراوانی یا اعتماد عمومی نیستند.       | چهار گزاره‌ی نمونه،      |
| کدام شکاف‌ها نیازمند توجه‌اند؟             | اتصال هدف به اجرا،       |
| مشخص بودن مسئول و امکان اعتراض             | تعارض فراگیر یا غلبه‌ی   |
| کمی ابزار بدون شواهد تکمیلی احراز نمی‌شود. |                          |
| چه بسته‌هایی پیشنهاد می‌شود؟               | تلفیق مضامین مصاحبه،     |
| ادبیات و سازوکارهای اسنادی؛ جدول ۵         | پیشنهاد طراحی از نتیجه‌ی |
| آزمون اثربخشی متمایز است.                  |                          |

بر اساس این یافته‌ها، جعبه‌ابزار سیاستی پژوهش در قالب شش بسته‌ی اصلی ارائه می‌شود. بسته نخست، شفافیت الگوریتمی و گزارش‌دهی است. این بسته شامل گزارش شفافیت دوره‌ای، اعلام دلیل تصمیم به کاربر، برچسب‌گذاری تبلیغات و محتوای حمایت‌شده، حداقل‌های توضیح‌پذیری سازوکار توصیه محتوا و حسابرسی اثرات الگوریتمی در سطح شاخص‌هاست. هدف این بسته، کاهش ابهام، افزایش پاسخ‌گویی و امکان ارزیابی عمومی و نهادی رفتار پلتفرم‌هاست.

بسته دوم، حفاظت داده و حریم خصوصی است. این بسته بر قواعد حداقل‌سازی داده، تعیین مدت نگهداری، امکان حذف یا دسترسی کاربر به داده، الزام گزارش رخدادهای امنیتی، ساده‌سازی رضایت‌نامه‌ها و سطح‌بندی تکالیف امنیتی تأکید دارد. اهمیت این بسته از آن جهت است که ابهام در نحوه‌ی گردآوری، ذخیره‌سازی و استفاده از داده، از نگرانی‌های مطرح‌شده در مصاحبه‌هاست. سنجش اثر این نگرانی بر اعتماد عمومی و پذیرش پلتفرم‌ها به بررسی مستقلی نیاز دارد.

بسته سوم، تنظیم رقابت و مقابله با انحصار است. در این بسته، ابزارهایی مانند رصد سهم بازار، شفافیت کمیسیون‌ها و قواعد رتبه‌بندی، محدودسازی ترجیح‌دهی به خود، قابلیت جابه‌جایی داده و تسهیل خروج کاربر، کنترل رفتارهای ضد رقابتی و قواعد تعامل‌پذیری مطرح است. این

بسته به ویژه برای بازارهایی اهمیت دارد که در آن ها اثر شبکه ای، داده، مقیاس و موقعیت دروازه بانی می تواند به تمرکز پایدار و کاهش امکان رقابت منجر شود (دگن و گلایس، ۲۰۲۵). ابزارهای مشابه در قانون بازارهای دیجیتال به دروازه بانان و دامنه های مشخص تعلق دارند؛ انتقال آن ها نیازمند بررسی بازار و تناسب تکلیف است (پارلمان و شورای اتحادیه اروپا، ۲۰۲۲).

بسته چهارم، تنظیم محتوای کاربر ساخته است. این بسته شامل زمان بندی پاسخ به گزارش محتوا، امکان اعتراض به تصمیم حذف یا محدود سازی، اعلام دلیل تصمیم، شاخص های حفاظت از کودک، قواعد روشن برای رده بندی و انتشار رویه های تصمیم گیری است. نکته مهم آن است که تنظیم محتوا نباید صرفاً به حذف یا محدود سازی تقلیل یابد؛ بلکه باید فرایندی شفاف، قابل اعتراض، مستند و متناسب باشد تا هم از آسیب های اجتماعی جلوگیری کند و هم حقوق کاربران را نقض نکند.

بسته پنجم، خود تنظیمی و هم تنظیمی است. در این بسته، منشورهای رفتاری شاخص پذیر، کار گروه های تخصصی، گزارش های مشترک، ارزیابی های دوره ای و مشارکت ذی نفعان مطرح می شود. برای آنکه مشارکت صنعت به تعهدی قابل پیگیری تبدیل شود، باید مسئول اجرا، معیار ارزیابی، زمان بندی و شیوهی نظارت بر منشورها روشن باشد. بررسی گریفین (۲۰۲۴) نیز نشان می دهد که مشارکت ذی نفعان باید با تضمین پاسخ گویی و توجه به تعارض منافع همراه شود.

بسته ششم، تقویت ظرفیت نهادی تنظیم گر است. اجرای هر یک از بسته های قبلی بدون ظرفیت نهادی، نیروی انسانی متخصص، زیر ساخت داده ای، سامانه ثبت و پیگیری شکایت، داشبوردهای پایش و سازوکار همکاری بین نهادی دشوار خواهد بود. بنابراین، ظرفیت سازی نباید به عنوان اقدام جانبی تلقی شود؛ بلکه زیر ساخت مشترک تمام ابزارهای تنظیم گری است. این بسته شامل آموزش نیروهای تخصصی، استاندارد سازی فرایندها، ایجاد سامانه های داده ای، تدوین نقش های نهادی، کار گروه های مشترک و انتشار گزارش عملکرد تنظیم گر است. در جدول ۵، پشتوانه ی هر بسته مشخص شده است؛ جدول ۶ ارتباط مسائل با بسته های اصلی و مکمل را نشان می دهد و جدول ۷ ابزارها را بر حسب کارکرد دسته بندی می کند.

#### جدول ۵. منشأ شواهد و منطق شکل گیری بسته ها

| بسته    | شاهد صاحب               |
|---------|-------------------------|
|         | پشتوانه ی اسنادی تکمیلی |
|         | منطق طراحی              |
| شفافیت  | خ-۳، خ-۱، مواد ۱۵،      |
| ۱۷ و ۲۷ | پاسخ به ابهام تصمیم با  |

گزارش دهی و توضیح

حفاظت داده

ماده ی ۱ (ج)؛ خ ۳، مواد ۵ و ۱۵

اطلاع رسانی و تضمین حقوق داده

رقابت

شاهد مستقیمی ندارد

گلایس، ۲۰۲۵)

انتخاب ابزار بر پایه ی مسائل رقابت و تکالیف اسنادی

محتوای کاربر ساخته

شاهد مستقیمی درباره ی ایمنی ندارد

۹ تا ۱۲ و ۲۱

اعتراض

هم تنظیمی

(گریفین، ۲۰۲۴)

تبدیل مشارکت به تعهد قابل ارزیابی

ظرفیت نهادی

خ ۵، قاعده ی ۴

فراهم کردن داده و نظارت

جدول ۶. ارتباط مسائل با بسته های اصلی و مکمل

مسئله غالب

بسته ی متناظر با مسئله

بسته مکمل

شفافیت الگوریتمی و

ظرفیت نهادی و

عدم شفافیت

گزارش دهی

هم تنظیمی

بحران داده

خصوصی

تمرکز بازار

انحصار

حفاظت داده و حریم

ظرفیت نهادی و شفافیت

تنظیم رقابت و مقابله با

شفافیت و ظرفیت نهادی

خ-۰۷؛ ادراک ناامنی د۱،

پاسخ به نگرانی با

در چهار گزاره ی نمونه،

خ ۲، مواد ۶ و ۷؛ (دگن و

در چهار گزاره ی نمونه،

خ ۱، ماده ی ۲۰؛ خ ۴، مواد

ترکیب ایمنی، دلیل و

خ-۰۵ خ ۶، بخش ۹؛

خ-۰۲ د ۲، اقدام ۷؛

تعیین مسئول اجرا و

|                                                                                       |                                                         |
|---------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------|
| تنظیم محتوای                                                                          | آسیب اجتماعی محتوا                                      |
| شفافیت و هم تنظیمی                                                                    | کاربر ساخته                                             |
| خودتنظیمی و هم تنظیمی                                                                 | تعارض و بی اعتمادی                                      |
| شفافیت و ظرفیت نهادی                                                                  |                                                         |
| نمونه ابزارها                                                                         | جدول ۷. خانواده ی ابزارها و نمونه های آنها              |
| کارکرد اصلی                                                                           | خانواده ابزار                                           |
| گزارش شفافیت، اعلام                                                                   | شفافیت و اطلاعات                                        |
| کاهش ابهام و افزایش                                                                   | دلیل تصمیم، برجسب گذاری تبلیغات، توضیح پذیری توصیه گرها |
|                                                                                       | پاسخ گویی                                               |
| سامانه شکایت، داشبورد                                                                 | نظارتی و پایشی                                          |
| رصد و ارزیابی مستمر                                                                   | نظارتی، نمونه برداری، حسابرسی اثرات الگوریتمی           |
|                                                                                       | رفتار پلتفرم                                            |
| سطح بندی تکالیف،                                                                      | حقوقی و مقرراتی                                         |
| تعیین الزام، مسئولیت و                                                                | قواعد حفاظت داده، الزام گزارش رخداد، مدت نگهداری داده   |
|                                                                                       | ضمانت اجرا                                              |
| رصد تمرکز، شفافیت                                                                     | اقتصادی و تنظیم بازار                                   |
| حفاظت از رقابت و                                                                      | کمیسیون، منع ترجیح دهی به خود، قابلیت جابه جایی داده    |
|                                                                                       | کاهش قفل شدگی                                           |
| منشور رفتاری، کارگروه                                                                 | مشارکتی                                                 |
| افزایش پذیرش اجتماعی                                                                  | تخصصی، گزارش مشترک، ارزیابی دوره ای                     |
|                                                                                       | و یادگیری نهادی                                         |
| ثبت رویداد؛ زیرساخت                                                                   | فناورانه و زیرساختی                                     |
| پشتیبانی فنی از اجرا و                                                                | گزارش؛ کنترل دسترسی؛ ابزار پایش                         |
|                                                                                       | ارزیابی با رعایت حقوق                                   |
| خانواده ی ابزار، کارکرد آن را نشان می دهد؛ درجه ی الزام و شیوه ی حکمرانی دو ویژگی     |                                                         |
| جداگانه اند. در میان شش بسته، شفافیت، داده، رقابت و محتوا موضوع مداخله اند و مشارکت و |                                                         |
| ظرفیت نهادی نقش توانمندساز دارند.                                                     |                                                         |

#### ۴-۱. تحلیل تطبیقی تجربه‌های بین‌المللی برای ایران

مقایسه‌ی اسناد منتخب بر چهار پرسش مشترک استوار است: موضوع مداخله چیست، تکلیف متوجه چه کسی است، ابزار چگونه عمل می‌کند و مسیر پاسخ‌گویی چیست؟ جدول ۸، پنج حوزه‌ی سیاستی را بر این اساس مقایسه می‌کند تا گزینه‌های قابل استفاده در طراحی ابزارها روشن شود.

##### جدول ۸. مقایسه‌ی پنج حوزه‌ی سیاستی منتخب

| مخاطب و مسئله<br>سازوکار ملاحظات                                 | حوزه و سند                                                                                                                                             |
|------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| خدمات واسطه؛<br>گزارش، اعتراض، ممیزی<br>دامنه‌ی سه قانون یکسان   | استفاده در ایران<br>اتحادیه‌ی اروپا؛ خ ۱ تا خ ۳<br>دروازه‌بان؛ پردازش داده<br>مشمولان، حقوق داده و تکلیف رقابتی<br>نیست؛ تکالیف عام و ویژه تفکیک شوند. |
| خدمات مشمول و خطر<br>ارزیابی خطر؛ شکایت؛<br>متن مصوب ۲۰۲۳ بررسی  | بریتانیا؛ خ ۴<br>محتوا/کودک<br>آیین کار و نظارت آفکام<br>شده؛ اثربخشی گزارش نمی‌شود.                                                                   |
| واسطه‌ها و واسطه‌های<br>مسئول شکایت؛ تکالیف<br>نسخه‌ی ۲۰۲۲؛ وجود | هند؛ خ ۵<br>اجتماعی مهم<br>انطباق و گزارش<br>مسئول معادل استقلال رسیدگی نیست.                                                                          |
| خدمات مشمول ایمنی<br>کمیسیون ایمنی؛ شکایت؛<br>نسخه‌ی ۱۱ دسامبر   | استرالیا؛ خ ۶<br>آنلاین<br>کدها و استانداردهای صنعت<br>۲۰۲۴؛ کد صنعت الزاماً صرفاً داوطلبانه نیست.                                                     |
| مسئولیت واسطه برای<br>حمایت‌های بند c با<br>مصونیت مطلق نیست؛    | آمریکا؛ خ ۷<br>اطلاعات دیگران<br>استثناهای بند e<br>تمام نظام آمریکا را پوشش نمی‌دهد.                                                                  |

در این مقایسه، برخی قوانین منتخب از جمله قانون خدمات دیجیتال از سطح بندی تکالیف استفاده می کنند. به جای آنکه همه پلتفرم ها با یک مجموعه ثابت از الزام ها مواجه شوند، تکالیف بر اساس اندازه، تعداد کاربر، قدرت بازار، نوع خدمت و سطح خطر تعیین می شود. این رویکرد به ویژه برای ایران مهم است؛ زیرا اکوسیستم پلتفرمی کشور شامل بازیگران بسیار متفاوتی است. از پلتفرم های بزرگ حمل و نقل و تجارت الکترونیکی تا خدمات محتوایی، پیام رسان ها، نقشه ها و کسب و کارهای نوپای تخصصی، همه اجزای این اکوسیستم هستند. اعمال تکالیف یکسان بر همه این بازیگران می تواند هم غیرمنصفانه باشد و هم مانع نوآوری شود. در مقابل، سطح بندی تکالیف اجازه می دهد تنظیم گر تمرکز خود را بر پلتفرم هایی قرار دهد که اثر اجتماعی، اقتصادی یا داده ای بالاتری دارند. تکالیف باید با توجه به دامنه ی هر حکم خوانده شوند (پارلمان و شورای اتحادیه ی اروپا، ۲۰۲۲).

شفافیت نیز به یکی از محورهای اصلی تنظیم گری تبدیل شده است. شفافیت در اینجا فقط به معنای انتشار اطلاعات عمومی نیست، بلکه شامل توضیح تصمیم ها، گزارش دهی درباره فرایندهای تعدیل محتوا، برچسب گذاری تبلیغات، دسترسی محدود و کنترل شده پژوهشگران به داده، اعلام دلیل محدودسازی یا حذف محتوا، و ارائه آمار رسیدگی به شکایات است (پارلمان و شورای اتحادیه ی اروپا، ۲۰۲۲). اهمیت این موضوع برای ایران در آن است که گزاره های خ-۳ و خ-۷، ابهام در سازوکار محتوا و نگهداری داده را مطرح می کنند. بنابراین، نقش احتمالی شفافیت در اعتماد کاربر باید به صورت مستقل سنجیده شود.

مقایسه ی این اسناد همچنین نشان می دهد که تنظیم گری رقابت و تنظیم گری محتوا باید از یکدیگر متمایز اما هماهنگ باشند. در برخی کشورها، قواعد ایمنی آنلاین بر محتوای آسیب زاء، حفاظت از کودک و مسئولیت واسطه تمرکز دارند؛ در حالی که قواعد رقابت دیجیتال بر قدرت دروازه بانی، خودترجیح دهی، تعامل پذیری و انتقال داده متمرکزند. در ایران نیز لازم است روشن شود که هر مسئله با چه منطق مداخله ای مواجه می شود. برای مثال، مسئله آسیب محتوایی با ابزارهای رده بندی، گزارش، اعتراض و حفاظت کودک پیگیری می شود؛ اما مسئله انحصار یا قفل شدگی کاربر نیازمند رصد سهم بازار، قابلیت جابه جایی داده، شفافیت کمیسیون و منع رفتارهای ضد رقابتی است.

در زمینه ی مسئولیت واسطه ها، تجربه ی آمریکا نشان می دهد که مصونیت یا مسئولیت واسطه ها همواره یکی از نقاط پرتنش تنظیم گری است. بحث های مربوط به ماده ی ۲۳۰ نشان داده است که تعیین مرز میان مسئولیت پلتفرم برای محتوای شخص ثالث و آزادی نوآوری، مسئله ای

ساده نیست (فلو و مارتین، ۲۰۲۲). این تجربه برای ایران نیز درس آموز است؛ زیرا اگر مسئولیت پلتفرم‌ها بیش از حد گسترده و مبهم تعریف شود، می‌تواند به حذف بیش از اندازه محتوا، محافظه کاری پلتفرم‌ها و محدود شدن حقوق کاربران منجر شود. در مقابل، اگر مسئولیت بسیار محدود باشد، پلتفرم‌ها انگیزه کافی برای پیشگیری از آسیب‌ها نخواهند داشت. بنابراین، مسئولیت پلتفرم باید دقیق، سطح‌بندی شده و همراه با فرایند اعتراض و بازبینی باشد.

##### ۵. الگوی پیشنهادی

الگوی پیشنهادی پژوهش بر این اصل استوار است که تنظیم‌گری مؤثر پلتفرم‌ها باید مسئله‌محور، ابزارمحور و چرخه‌ای باشد. مسئله‌محور بودن به این معناست که تنظیم‌گر ابتدا باید نوع مسئله را به درستی تشخیص دهد. آیا مسئله از جنس خطر فوری است؟ آیا با عدم شفافیت مواجه هستیم؟ آیا رقابت مختل شده است؟ آیا بحران داده‌ای وجود دارد؟ آیا تهدید فرهنگی یا آسیب اجتماعی محتوا بر جسته است؟ یا اینکه مشکل اصلی ضعف نهادی و نبود ظرفیت اجرایی است؟ هر یک از این وضعیت‌ها منطق مداخله متفاوتی می‌طلبد.

الگو از سه منبع شکل گرفته است: مضامین مصاحبه‌ها برای روشن کردن مسائل، اسناد و ادبیات پژوهش برای شناسایی ابزارها، و تحلیل این شواهد برای ترکیب ابزارها در قالب بسته‌های سیاستی. وجود یک مضمون به تنهایی تمام اجزای بسته را تعیین نمی‌کند؛ مسئول اجرا، شاخص و ضمانت اجرا اجزای پیشنهادی‌اند که به بررسی حقوقی و عملیاتی نیاز دارند.

ابزارمحور بودن مدل به این معناست که سیاست‌ها باید در قالب ابزارهای مشخص، قابل سنجش و قابل اجرا بیان شوند. برای مثال، اگر مسئله «عدم شفافیت» باشد، صرفاً توصیه به شفافیت کافی نیست؛ بلکه باید تعیین شود چه نوع گزارشی، با چه قالبی، در چه دوره‌ای، با چه داده‌هایی، برای چه مخاطبی، با چه ضمانت اجرایی و تحت چه سازوکار راستی‌آزمایی منتشر می‌شود. اگر مسئله «بحران داده» باشد، باید حداقل سازی داده، مدت نگهداری، حق حذف، گزارش رخداد، رضایت آگاهانه و استانداردهای امنیتی به ابزارهای عملیاتی تبدیل شوند. اگر مسئله «تمرکز بازار» باشد، باید شاخص تمرکز، قواعد شفافیت کمیسیون، امکان انتقال داده، تعامل‌پذیری و منع ترجیح‌دهی به خود طراحی شود. چرخه‌ای بودن مدل نیز به این معناست که تنظیم‌گری نباید یک تصمیم مقطعی و بسته باشد؛ بلکه باید به فرایندی یادگیرنده تبدیل شود. چرخه عملیاتی پیشنهادی شامل هشت گام است: تشخیص مسئله و تهدید، تعیین منطق مداخله، انتخاب خانواده ابزار، طراحی بسته سیاستی، تدوین آیین‌نامه اجرایی، اجرای پایلوت، پایش و ارزیابی، و اصلاح و بازتنظیم. این چرخه به تنظیم‌گر اجازه می‌دهد که مداخلات را بر اساس داده، تجربه اجرا و بازخورد ذی‌نفعان

اصلاح کند. چنین رویکردی با منطق تنظیم گری چابک و خطر محور هم خوان است و می تواند از تصمیم های واکنشی و تک ابزار ی بکاهد.

در این مدل، حل تعارض میان منطق های مداخله نیز اهمیت دارد. در برخی موارد، ممکن است میان حریم خصوصی، امنیت ملی، آزادی بیان، حمایت از کودک، رقابت و حاکمیت داده تنش ایجاد شود. پیشنهاد مقاله آن است که در چنین وضعیت هایی، تنظیم گر تصمیم گیری را به صورت مرحله ای انجام دهد: نخست سطح تهدید و فوریت آن را مشخص کند؛ سپس اصل ضرورت و تناسب را اعمال کند؛ سپس کم مداخله ترین ابزار مؤثر را برگزیند؛ و در نهایت مداخله را زمان مند، قابل بازبینی و همراه با امکان اعتراض و گزارش دهی کند. این ترتیب می تواند احتمال توسل شتاب زده به ابزار های محدود کننده را کاهش دهد. ابزار های پیشنهادی و کارکرد هر یک در جدول ۹ آمده است.

#### جدول ۹. جعبه ابزار سیاستی پیشنهادی

|                                                                                            |                                           |
|--------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------|
| ابزار سیاستی                                                                               | خانواده ابزار                             |
| هدف و کارکرد اصلی                                                                          |                                           |
| حوزه های کاربرد نمونه                                                                      |                                           |
| گزارش شفافیت دوره ای                                                                       | شفافیت و اطلاعات                          |
| ایجاد امکان نظارت                                                                          | پلتفرم                                    |
| عمومی و نهادی با ارائه داده های قابل پیگیری درباره محتوا، شکایات، تبلیغات و اقدامات اصلاحی |                                           |
| شفافیت عملکرد،                                                                             |                                           |
| مسئولیت پذیری، کاهش ابهام تصمیمات                                                          |                                           |
| اعلام دلیل تصمیم به                                                                        |                                           |
| پاسخ گو کردن پلتفرم در                                                                     | کاربر                                     |
| تصمیمات حذف، محدود سازی یا اولویت دهی و کاهش احساس بی عدالتی و بی اعتمادی                  |                                           |
| رسیدگی به اعتراض،                                                                          |                                           |
| تقویت حقوق کاربر                                                                           |                                           |
| برچسب گذاری تبلیغات                                                                        |                                           |
| تفکیک روشن تبلیغ از                                                                        | و محتوای حمایت شده                        |
| شفافیت تبلیغات، حفاظت                                                                      | محتوای عادی و کاهش فریب یا دستکاری ادراکی |
|                                                                                            | از مصرف کننده                             |

حداقل‌های

توضیح‌پذیری سازوکار توصیه محتوا  
افزایش فهم‌پذیری برای  
کاربر و امکان ارزیابی اثرات توصیه‌گرها بدون افشای جزئیات محرمانه توصیه محتوا،  
روندسازی، برجسته‌سازی  
نظارتی و پایشی

سامانه ثبت و پیگیری

شکایت و اعتراض  
ایجاد مسیر رسمی و قابل  
پیگیری برای شکایات کاربران و کسب‌وکارها و تولید داده برای سیاست‌گذاری حقوق کاربر،  
اختلافات پلتفرمی

پایش شاخص‌های

کلیدی و داشبورد نظارتی  
رصد پیوسته رفتار پلتفرم  
در موضوعات اولویت‌دار و هشدار زودهنگام نسبت به تغییرات پرخطر پایش محتوا، داده،  
رقابت، اعتماد

نمونه‌برداری و ارزیابی

کیفیت رسیدگی  
کنترل اثربخشی  
کیفیت حکمرانی داخلی  
فرایندهای پلتفرم در رسیدگی به گزارش‌ها و اعتراض‌ها  
پلتفرم

حسابرسی اثرات

الگوریتمی در سطح شاخص‌ها  
سنجش پیامدهای کلان  
توصیه‌گرها و رتبه‌بندی‌ها با تمرکز بر خروجی و اثر، نه ورود به کد  
شفافیت الگوریتمی،  
بی‌طرفی، آسیب‌ها  
حقوقی و مقرراتی

دستورالعمل‌های حداقلی

و سطح‌بندی تکالیف  
تعیین تکالیف متناسب با  
اندازه و اثرگذاری پلتفرم و جلوگیری از فشار غیرضروری بر بازیگران کوچک تنظیم تکالیف،  
کاهش هزینه اجرا

قواعد حفاظت داده و

محدود کردن جمع‌آوری  
حداقل‌سازی داده

غیر ضروری داده و تعریف حداقل های اطلاع رسانی و رضایت گیری  
داده

قواعد مدت نگهداری و  
جلو گیری از نگهداری  
انباشت داده، ریسک  
حذف داده  
بی ضابطه و افزایش کنترل پذیری چرخه عمر داده  
نشت

الزام گزارش رخدادهای  
افزایش پاسخ گوئی،  
مدیریت رخداد، اعتماد  
امنیتی  
کاهش پنهان کاری و مدیریت سریع تر پیامدهای نشت داده  
عمومی  
فناورانه و زیر ساختی

زیر ساخت دریافت و  
استاندارد سازی قالب  
تحلیل داده های  
تجمع گزارش های پلتفرم  
گزارش ها و امکان تحلیل مقایسه ای و روندی در سطح ملی  
تنظیم گری

ابزارهای نیمه خود کار  
کاهش هزینه نظارت  
پایش محتوا، ریسک،  
پایش و تحلیل  
دستی و افزایش سرعت شناسایی الگوهای پرخطر  
شکایت

سازوکارهای حفاظت  
کاهش مواجهه گروه های  
حفاظت کودک، سلامت  
ویژه از کودکان  
آسیب پذیر با آسیب ها از طریق تنظیمات پیش فرض و کنترل پذیری  
اجتماعی  
اقتصادی و تنظیم بازار

شفافیت کمیسیون ها و  
کاهش تبعیض، افزایش  
بازار گاه ها، خدمات  
قواعد رتبه بندی کسب و کارها  
پیش بینی پذیری و امکان اعتراض کسب و کارها  
پلتفرمی

رصد تمرکز و سهم بازار  
پیشگیری از تعمیق  
رقابت، حقوق

در بازارهای اولویت دار  
انحصار و فراهم کردن داده برای مداخلات رقابتی  
کسب و کارها

محدودسازی ترجیح دهی  
جلوگیری از سوءاستفاده  
بازارگاهها، جست وجو،

به خود  
پلتفرم های بزرگ از موقعیت مسلط  
تبلیغات

قابلیت جابه جایی داده و  
کاهش قفل شدگی  
رقابت، حقوق کاربر

تسهیل خروج  
کاربران و افزایش رقابت از مسیر کاهش هزینه جابه جایی  
مشارکتی

منشورهای رفتاری  
ایجاد قواعد مشترک با  
هم تنظیمی، اعتمادسازی  
کار گروه های تخصصی  
افزایش یادگیری نهادی و

شاخص پذیر  
قابلیت سنجش و ارزیابی و افزایش پذیرش اجتماعی

محتوا، داده، فناوری  
گزارش های مشترک و  
افزایش پاسخ گوئی و  
بهبود مستمر، کاهش

برای حوزه های پرچالش  
اصلاح تدریجی در حوزه هایی با تغییرات سریع

ارزیابی های دوره ای  
هم سویی ذی نفعان از طریق گزارش دهی منظم  
تعارض

نحوه ای اجرای بسته ها، هدف، ابزارها، مسئولیت ها و معیارهای ارزیابی هر بسته در جدول های  
۱۰ تا ۱۵ ارائه شده است. این اجزا پیشنهادهای اجرایی پژوهش اند و پیش از اجرا به بررسی  
صلاحیت های قانونی و ظرفیت نهادهای مسئول نیاز دارند.

جدول ۱۰. اجرای بسته ی سیاستی شفافیت الگوریتمی و گزارش دهی

تعریف پیشنهادی  
کاهش ابهام در تصمیم و

جزء

هدف

امکان واریسی.

|                                                                   |                        |
|-------------------------------------------------------------------|------------------------|
| مخاطب                                                             | خدمت دارای رتبه بندی   |
| یا توصیه گر؛ تکلیف متناسب با اثر و اندازه.                        |                        |
| مسئول پاسخ گو                                                     | پلتفرم برای ارائه ی    |
| اطلاعات؛ مرجع دارای صلاحیت برای کنترل کیفیت.                      |                        |
| ابزار و اجرا                                                      | قالب گزارش؛ اعلام      |
| دلیل؛ توضیح پارامترهای اصلی؛ دسترسی محدود ممیز.                   |                        |
| شاخص پیشنهادی                                                     | سهم تصمیم های نمونه    |
| دارای دلیل قابل فهم؛ کامل بودن اقلام گزارش؛ زمان انتشار.          |                        |
| ضمانت و تضمین حقوق                                                | در صورت اختیار قانونی، |
| اخطار و الزام به اصلاح؛ حفاظت داده و اسرار تجاری؛ حق اعتراض.      |                        |
| جدول ۱۱. اجزای بسته ی حفاظت داده و حریم خصوصی                     |                        |
| جزء                                                               | تعریف پیشنهادی         |
| هدف                                                               | تناسب پردازش و امکان   |
| اعمال حق.                                                         |                        |
| مخاطب                                                             | خدمات پردازش کننده ی   |
| داده ی شخصی، با توجه به نوع و حساسیت داده.                        |                        |
| مسئول پاسخ گو                                                     | مسئول حفاظت/انطباق     |
| در پلتفرم؛ مرجع قانونی مرتبط با موضوع.                            |                        |
| ابزار و اجرا                                                      | فهرست داده؛ هدف و      |
| مدت نگهداری؛ مسیر درخواست و ثبت رخداد؛ کنترل دسترسی.              |                        |
| شاخص پیشنهادی                                                     | زمان رسیدگی به         |
| درخواست معتبر؛ سهم پردازش های دارای هدف و مدت مشخص؛ نتیجه ی واری. |                        |
| ضمانت و تضمین حقوق                                                | رفع نقض و پاسخ مستدل   |
| در حدود قانون؛ استثنای حقوق داده و دسترسی حداقلی ناظر.            |                        |
| جدول ۱۲. اجزای عملیاتی بسته ی رقابت و مقابله با انحصار            |                        |
| جزء                                                               | تعریف پیشنهادی         |
| هدف                                                               | کاهش رفتار تبعیض آمیز  |
| و موانع جابه جایی.                                                |                        |

|                                                                    |                        |
|--------------------------------------------------------------------|------------------------|
| مخاطب                                                              | خدمت دارای مسئله‌ی     |
| رقابتی هستند؛ نه همه‌ی کسب و کارهای بزرگ به‌طور خودکار.            |                        |
| مسئول پاسخ‌گو                                                      | مرجع دارای صلاحیت      |
| رقابت؛ پلتفرم و کسب و کارهای وابسته برای ارائه‌ی داده.             |                        |
| ابزار و اجرا                                                       | تعریف بازار؛ بررسی     |
| رتبه‌بندی و شروط دسترسی؛ انتقال داده یا تعامل‌پذیری در صورت توجیه. |                        |
| شاخص پیشنهادی                                                      | هزینه و امکان خروج؛    |
| موارد تبعیض احرازشده؛ تغییر شرایط دسترسی با کنترل عوامل دیگر.      |                        |
| ضمانت و تضمین حقوق                                                 | اقدام اصلاحی متناسب با |
| اختیار؛ حفظ امنیت، حریم خصوصی و امکان دفاع طرفین.                  |                        |
| جدول ۱۳. بسته‌ی سیاستی محتوای کاربرساخته                           |                        |
| جزء                                                                | تعریف پیشنهادی         |
| هدف                                                                | ایمنی همراه با تصمیم   |
| قابل اعتراض.                                                       |                        |
| مخاطب                                                              | خدمات میزبان محتوای    |
| کاربر در دامنه‌ی تعریف‌شده؛ توجه ویژه به خطر برای کودکان.          |                        |
| مسئول پاسخ‌گو                                                      | پلتفرم برای رسیدگی     |
| اولیه؛ مرجع صالح برای بازبینی در حدود قانون.                       |                        |
| ابزار و اجرا                                                       | ثبت گزارش؛ زمان‌بندی   |
| رسیدگی؛ دلیل تصمیم؛ اعتراض؛ ارزیابی خطر.                           |                        |
| شاخص پیشنهادی                                                      | زمان رسیدگی؛ نرخ تغییر |
| تصمیم پس از اعتراض؛ خطای حذف و عدم اقدام در نمونه‌ی بررسی‌شده.     |                        |
| ضمانت و تضمین حقوق                                                 | تکلیف اصلاح فرایند و   |
| ضمانت قانونی متناسب؛ آزادی بیان، حریم خصوصی و رسیدگی منصفانه.      |                        |
| جدول ۱۴. بسته‌ی سیاستی خودتنظیمی و هم‌تنظیمی                       |                        |
| جزء                                                                | تعریف پیشنهادی         |
| هدف                                                                | مشارکت در اجرای تعهد   |
| مشخص و قابل نظارت.                                                 |                        |
| مخاطب                                                              | صنعت، کاربران و        |

گروه های متأثر از هر بسته ی موضوعی.

|                                                                    |                        |
|--------------------------------------------------------------------|------------------------|
| مسئول پاسخ گو                                                      | نهاد هماهنگ کننده ی    |
| دارای مأموریت؛ نمایندگان ذی نفعان؛ ناظر مستقل در صورت پیش بینی.    |                        |
| اِزار و اجرا                                                       | کد رفتار با تعهد،      |
| زمان بندی، گزارش و شیوه ی رسیدگی به عدم انطباق.                    |                        |
| شاخص پیشنهادی                                                      | درصد تعهد های          |
| ارزیابی شده؛ تنوع نمایندگی؛ موارد اصلاح پس از ارزیابی.             |                        |
| ضمانت و تضمین حقوق                                                 | تعهد قراردادی یا ضمانت |
| قانونی، بسته به مبنا؛ اعلام تعارض منافع و حق خروج/اعتراض.          |                        |
| جدول ۱۵. اجرای عملیاتی بسته ی تقویت ظرفیت نهادی تنظیم گر           |                        |
| جزء                                                                | تعریف پیشنهادی         |
| هدف                                                                | امکان اجرا، هماهنگی و  |
| ارزیابی.                                                           |                        |
| مخاطب                                                              | نهادهای درگیر و        |
| واحدهای مسئول انطباق.                                              |                        |
| مسئول پاسخ گو                                                      | مسئول راهبری هر مسئله  |
| پس از احراز صلاحیت؛ واحد ارزیابی با نقش روشن.                      |                        |
| اِزار و اجرا                                                       | ماتریس مسئولیت؛        |
| پروتکل تبادل داده؛ آموزش؛ ثبت تصمیم و گزارش عملکرد.                |                        |
| شاخص پیشنهادی                                                      | زمان تعیین مسئول       |
| پرونده؛ کیفیت داده؛ سهم توصیه های ارزیابی که پاسخ مستدل گرفته اند. |                        |
| ضمانت و تضمین حقوق                                                 | پاسخ گویی اداری در     |
| حدود قانون؛ تفکیک اجرا و ارزیابی؛ دسترسی حداقلی و ثبت شده.         |                        |

## ۶. بحث

یافته ها، ضرورت پیوند هدف سیاستی با ابزار اجرایی را برجسته می کنند. شاهد خ—۰۲ به فاصله ی قانون و نظارت اشاره دارد و خ—۰۷ مسئله ی فهم کاربر از نگهداری داده را مطرح می کند. در مقابل، اسناد داخلی نیز حریم خصوصی و اعتماد را به رسمیت می شناسند (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۶؛ شورای عالی فضای مجازی، ۱۴۰۱). بنابراین، یافته ها توجه را به نحوه ی اجرای

قواعد و تجربه‌ی کاربر جلب می‌کنند. مضمون مشارکت در گزاره‌ی خ—۰۵ با توجه گوروا به رابطه‌ی دولت، صنعت و جامعه‌ی مدنی هم‌جهت است (گوروا، ۲۰۱۹). تحلیل گریفین (۲۰۲۴) درباره‌ی منشورهای رفتاری نیز ضرورت توجه به پاسخ‌گویی در همکاری با صنعت را نشان می‌دهد. با این حال، ضرورت مشارکت را نباید به برتری قطعی خودتنظیمی تعبیر کرد. بسته‌ی هم‌تنظیمی باید حدود اختیار، تعهد قابل سنجش، تعارض منافع و راه اعتراض را مشخص کند. همچنین، هشدار هلبیگر (۲۰۲۰) درباره‌ی تقویت قدرت پلتفرم از مسیر برخی مداخلات یادآور می‌شود که افزایش مسئولیت محتوا باید با پاسخ‌گویی و تضمین حقوق همراه باشد.

تناسب تکالیف با ویژگی‌های پلتفرم نیز در انتخاب ابزار اهمیت دارد. همه پلتفرم‌ها از نظر اندازه، حوزه فعالیت، میزان داده، اثر اجتماعی، قدرت بازار و خطرهای احتمالی یکسان نیستند. اگر تکالیف سنگین به‌صورت یکسان بر تمام بازیگران اعمال شود، ممکن است ورود بازیگران کوچک، نوآوری و رقابت تضعیف شود. در مقابل، اگر پلتفرم‌های بزرگ و اثرگذار با تکالیف عمومی و حداقلی مواجه شوند، خطرهای نظام‌مند به‌درستی کنترل نخواهد شد. بنابراین، تنظیم‌گری باید متناسب با اندازه، اثرگذاری و نوع ریسک پلتفرم سطح‌بندی شود؛ رویکردی که در قانون خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا نیز مشاهده می‌شود (پارلمان و شورای اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۲۲الف). تأکید دکن و گلایس (۲۰۲۵) بر تنظیم‌گری متناسب نیز از حیث طراحی با این جهت‌گیری هم‌سو است.

در زمینه‌ی شفافیت الگوریتمی، نوع اطلاعات و امکان استفاده از آن اهمیت دارد. در بسیاری از مباحث عمومی، شفافیت الگوریتمی به اشتباه به معنای افشای کامل کد یا الگوریتم‌های پلتفرم فهم می‌شود؛ در حالی که در تنظیم‌گری عملی، هدف اصلی فهم‌پذیری، پاسخ‌گویی و ارزیابی اثرات است. تنظیم‌گر می‌تواند بدون مطالبه افشای اسرار تجاری، حداقل‌های توضیح‌پذیری، گزارش تغییرات مهم، سنجش خروجی‌ها، حسابرسی شاخص‌های اثر و اعلام دلیل تصمیم به کاربران را مطالبه کند. این رویکرد می‌تواند میان حفاظت از نوآوری و پاسخ‌گویی عمومی تعادل برقرار کند (پارلمان و شورای اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۲۲الف؛ لیرسن، ۲۰۲۴). در نهایت، جعبه‌ابزار سیاستی پیشنهادی، جایگزین قانون‌گذاری نیست؛ بلکه مکمل و عملیاتی‌کننده آن است. قانون می‌تواند حدود کلی، صلاحیت‌ها و ضمانت اجراها را مشخص کند؛ اما بدون ابزارهای داده‌ای، شاخص‌های سنجش، فرایندهای رسیدگی، گزارش‌دهی، ممیزی، مشارکت و بازبینی، قانون در سطح متن باقی می‌ماند. بنابراین، پیشنهاد این مقاله آن است که توجه سیاستی معطوف به حرکت از «انباشت اسناد» به «طراحی ابزارهای اجرایی» و از «کنترل موردی» به «تنظیم‌گری یادگیرنده» باشد.

در اجرای بسته‌ی شفافیت، یک گزارش عمومی نمی‌تواند همه‌ی نیازهای نظارتی را پاسخ دهد. بر پایه‌ی تمایزی که سودرلوند و همکاران (۲۰۲۴) مطرح می‌کنند، توضیح ساده برای کاربر باید از دسترسی تخصصی نهاد ناظر تفکیک شود. همچنین، با توجه به نقد گریفین (۲۰۲۵)، تعیین خطر و ارزیابی موفقیت مداخله نباید صرفاً بر خودارزیابی شرکت‌ها استوار باشد. در چارچوب پیشنهادی این مقاله، این ملاحظات به ضرورت راستی‌آزمایی گزارش‌ها، دسترسی متناسب نهاد ناظر به داده و امکان اعتراض ذی‌نفعان می‌انجامد.

## ۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان از تشخیص مسائل تنظیم گری پلتفرم‌ها در ایران به انتخاب ابزار و طراحی بسته سیاستی رسید، چارچوبی پیشنهاد می‌کند که در آن نوع مسئله، منطق مداخله، ابزار اجرایی و شیوه ارزیابی به یکدیگر متصل می‌شوند. استنتاج اصلی پژوهش آن است که برای طراحی مداخله، بیان هدف‌هایی مانند شفافیت، حفاظت از حقوق کاربران یا تقویت رقابت کافی نیست؛ لازم است مشخص شود هر هدف از طریق چه ابزاری، با مسئولیت کدام کنشگر و بر اساس چه معیارهایی پیگیری خواهد شد. سهم چارچوب پیشنهادی، تبیین این پیوندها و فراهم کردن مبنایی برای انتخاب مستدل و قابل بازبینی ابزارهای تنظیم گری است.

تلفیق شواهد مصاحبه‌ای و اسنادی نشان می‌دهد که یکی از محورهای مهم طراحی، چگونگی تبدیل قواعد و ارزش‌های پذیرفته‌شده به فرایندهای اجرایی است. در مصاحبه‌ها، ابهام سازوکار توصیه محتوا، نگرانی نسبت به نحوه نگهداری داده، فاصله میان وضع قانون و نظارت و ضرورت مشارکت پلتفرم‌ها برجسته شده‌اند. در مقابل، اسناد داخلی مورد بررسی نیز به حریم خصوصی، حقوق عمومی و مسئولیت‌های نهادی توجه دارند. از کنار هم قرار دادن این شواهد نمی‌توان فقدان قواعد یا نا کارآمدی فراگیر نظام تنظیم گری را نتیجه گرفت؛ اما می‌توان ضرورت بررسی نحوه اجرای تعهدات، فهم‌پذیری تصمیم‌ها برای کاربران و امکان پیگیری مسئولیت‌ها را استنتاج کرد. بر این اساس، ابزارهایی مانند اعلام دلیل تصمیم، گزارش‌دهی قابل راستی‌آزمایی و رسیدگی به اعتراض، در چارچوب پیشنهادی حلقه اتصال اهداف سیاستی به عملکرد قابل بررسی‌اند. شش بسته سیاستی پژوهش نیز باید در ارتباط با یکدیگر فهم شوند. شفافیت الگوریتمی و گزارش‌دهی، حفاظت داده و حریم خصوصی، تنظیم رقابت و تنظیم محتوای کاربرساخته، چهار حوزه موضوعی مداخله را پوشش می‌دهند؛ درحالی‌که خودتنظیمی و هم‌تنظیمی و تقویت ظرفیت نهادی، به شیوه مشارکت و امکان اجرای مداخلات مربوط‌اند. دلیل این تمایز آن است که انتخاب یک بسته موضوعی، بدون توجه به ظرفیت نظارت و ترتیبات پاسخ‌گویی، طراحی را ناتمام می‌گذارد. برای

مثال، گزارش شفافیت هنگامی قابلیت نظارتی پیدا می کند که اطلاعات آن قابل بررسی باشد و مسئول رسیدگی به کاستی های آن مشخص شود. مشارکت صنعت نیز زمانی به تعهد قابل پیگیری تبدیل می شود که حدود مسئولیت، معیار ارزیابی و شیوه رسیدگی به تعارض منافع روشن باشد. استنتاج دیگر پژوهش، ضرورت تناسب میان ویژگی های مسئله و ترکیب ابزارهاست. مسائل مربوط به قدرت بازار، پردازش داده و محتوای کاربر ساخته، منطق مداخله یکسانی ندارند و نمی توان صرفاً بر پایه عنوان یا بزرگی یک پلتفرم، مجموعه ثابتی از تکالیف را برای آن تجویز کرد. در چارچوب پیشنهادی، نوع خدمت، دامنه اثر، سطح خطر، مبنای قانونی و ظرفیت اجرا باید در تعیین تکلیف لحاظ شوند. همچنین، کارکرد ابزار باید از درجه الزام آن تفکیک شود؛ برای نمونه، گزارش دهی ابزاری اطلاعاتی است، اما می تواند پشتوانه الزام آور داشته باشد. این تفکیک، انتخاب ابزارها را دقیق تر می کند و امکان ترکیب آن ها را متناسب با مسئله فراهم می آورد. از حیث اجرا، چارچوب پژوهش بر تصمیم گیری مرحله ای و بازنگری بر پایه شواهد تأکید دارد. ابزار منتخب باید در دامنه ای مشخص اجرا و با شاخص های متناسب ارزیابی شود تا امکان اصلاح تکالیف، فرایندها یا ترکیب ابزارها فراهم آید. در این فرایند، ارزیابی به میزان اجرای تکلیف محدود نمی شود و باید هزینه انطباق، حقوق کاربران و پیامدهای ناخواسته مداخله را نیز در بر گیرد. تجربه های بین المللی بررسی شده، گزینه هایی برای این طراحی فراهم می کنند؛ باین حال، استفاده از آن ها در ایران به بررسی صلاحیت های قانونی و شرایط نهادی هر حوزه نیاز دارد. اعتبار نتیجه گیری حاضر در سطح ارائه یک چارچوب تحلیلی و طراحی سیاستی است. مصاحبه با ده خبره و بررسی اسناد منتخب، مبنایی برای ارائه مسائل و توسعه گزینه های مداخله فراهم کرده اند، اما اثربخشی بسته ها، ترتیب اولویت آن ها یا میزان پذیرش آن ها نزد کاربران و پلتفرم ها را اثبات نمی کنند. ارزیابی این موارد به مطالعات میدانی تکمیلی و اجرای آزمایشی نیاز دارد. بر این مبنای، دستاورد پژوهش فراهم کردن روشی برای پیوند دادن مسئله، ابزار، مسئولیت و ارزیابی است؛ روشی که می تواند تصمیم های تنظیم گری را مستدل تر، قابل پیگیری تر و اصلاح پذیر تر سازد.

#### ۸. پیشنهاد های سیاستی

نخست، پیشنهاد می شود تنظیم گر یک سند عملیاتی جعبه ابزار تنظیم گری پلتفرم ها تدوین کند که در آن خانواده ابزارها، شاخص های سنجش، دوره های گزارش دهی، سطوح تکلیف و ضمانت اجراها مشخص باشد. چنین سندی باید مکمل اسناد کلان باشد و از کلی گویی فاصله بگیرد.

دوم، لازم است ماتریس تصمیم تنظیم گر به عنوان ابزار رسمی تصمیم سازی به کار گرفته

شود. در این ماتریس، هر وضعیت مسئله به یک منطق مداخله و سپس به بسته سیاستی متناظر متصل می شود. برای نمونه، عدم شفافیت باید به بسته شفافیت الگوریتمی و گزارش دهی، بحران داده به بسته حفاظت داده، تمرکز بازار به بسته تنظیم رقابت و آسیب اجتماعی محتوا به بسته تنظیم محتوای کاربر ساخته پیوند داده شود.

سوم، اجرای بسته ها به صورت مرحله ای و آزمایشی پیشنهاد می شود. داده های حاضر مبنای رتبه بندی قطعی بسته ها نیستند. انتخاب نخستین پایلوت باید بر شدت مسئله، آمادگی حقوقی، دسترسی به داده، هزینه انطباق و امکان سنجش استوار باشد. شفاف سازی دلیل تصمیم و ثبت شکایت می تواند یک گزینه قابل بررسی باشد؛ تقدم آن بر حفاظت داده، رقابت یا ایمنی باید در بخش مورد مطالعه احراز شود.

چهارم، ظرفیت نهادی تنظیم گر باید به عنوان زیرساخت مشترک همه بسته ها تقویت شود. این ظرفیت شامل نیروی انسانی متخصص، سامانه های داده ای، داشبوردهای پایش، پروتکل های تبادل داده، کار گروه های بین نهادی و انتشار گزارش های عملکرد تنظیم گر است. بدون این ظرفیت، حتی بهترین طراحی های حقوقی نیز در مرحله اجرا با ضعف مواجه خواهند شد.

پنجم، هم تنظیمی باید از حالت توصیه ای و نمادین خارج شود و به مدل شاخص پذیر تبدیل گردد. منشورهای رفتاری پلتفرم ها، گزارش های مشترک، ارزیابی های دوره ای و مشارکت جامعه مدنی باید دارای شاخص، زمان بندی، خروجی قابل سنجش و پیوند با ضمانت اجرا باشند. اثر این ترتیبات بر اعتماد و تعارض باید در اجرای آزمایشی سنجیده شود.

اجرای چارچوب پیشنهادی نیازمند چند پیش شرط نهادی و دانشی است. نخستین پیش شرط، تعریف روشن قلمرو تنظیم گری است. تا زمانی که معلوم نباشد هر نهاد تنظیم گر در چه سطحی از حکمرانی پلتفرم مداخله می کند، احتمال تداخل صلاحیت ها و تصمیم های ناهمسو باقی می ماند. برای مثال، حوزه محتوای صوت و تصویر، حوزه ارتباطات، حوزه داده، حوزه رقابت و حوزه حمایت از مصرف کننده هر کدام منطق مداخله متفاوتی دارند؛ اما در عمل ممکن است یک پلتفرم همزمان در چند حوزه فعالیت کند. بنابراین، نقشه نهادی تنظیم گری باید نه بر اساس نام پلتفرم، بلکه بر اساس نوع مسئله، نوع داده، نوع خدمت، سطح اثر اجتماعی و دامنه خطر طراحی شود. چنین نقشه ای می تواند از تعارض میان نهادها بکاهد و مسئولیت پاسخ گویی را شفاف تر کند. برای تهیه این نقشه باید برای هر اقدام، مستند صلاحیت، مسئول اجرا، همکار، مرجع نظارت و مسیر اعتراض ثبت شود. مراحل تهیه این نقشه در جدول ۱۶ ارائه شده است.

#### جدول ۱۶. مراحل تدوین نقشه نهادی

| مرحله              | خروجی مورد نیاز                       | توضیح                                                    |
|--------------------|---------------------------------------|----------------------------------------------------------|
| تعیین مسئله و خدمت | تعریف دقیق تکلیف و مخاطب              | نام پلتفرم به تنهایی تعیین کننده‌ی صلاحیت نیست.          |
| احراز مبنای قانونی | ماده/بند، مرجع، نسخه و حدود اختیار    | مسئولیت طراحی با اختیار رسیدگی عام یکسان نیست.           |
| تفکیک نقش‌ها       | مسئول اجرا، همکار، ناظر و مرجع اعتراض | این مقاله نقشه‌ی جامع تمام دستگاه‌ها را احراز نکرده است. |
| تعیین همکاری       | مسیر ارجاع پرونده و تبادل داده‌ی مجاز | اصل ضرورت، محرمانگی و ثبت دسترسی رعایت شود.              |
| ارزیابی و بازبینی  | شاخص زمان رسیدگی و پاسخ به اختلاف     | نقشه باید با تغییر قانون و تجربه‌ی اجرا بازبینی شود.     |

دومین پیش شرط، توسعه زیرساخت داده‌ای تنظیم گر است. تنظیم گری پلتفرم‌ها بدون داده معتبر، قابل راستی آزمایی و قابل مقایسه، به تصمیم گیری شهودی یا واکنشی نزدیک می شود. گزارش های شفافیت پلتفرم‌ها باید قالب استاندارد داشته باشند و اطلاعاتی مانند تعداد شکایات، زمان رسیدگی، نوع تصمیم‌ها، موارد حذف یا محدودسازی، شکایات مرتبط با داده، رخدادهای امنیتی، تبلیغات حمایت شده و شاخص های رتبه بندی را به صورت دوره‌ای منتشر کنند. در عین حال، این گزارش ها نباید صرفاً خوداظهاری باشند؛ بلکه باید از طریق نمونه برداری، ممیزی محدود، مقایسه روندها و سازوکارهای اعتراض کاربران راستی آزمایی شوند. تنظیم گر نیز باید گزارش عملکرد خود را منتشر کند تا پاسخ گویی فقط از پلتفرم مطالبه نشود، بلکه خود نهاد تنظیم گر نیز در برابر جامعه پاسخ گو باشد.

سومین پیش شرط، توجه به تناسب و حداقل مداخله مؤثر است. پلتفرم های کوچک، نوپا یا تخصصی نباید با همان سطح تکلیف پلتفرم های مسلط، پرکاربر یا دارای ریسک نظام مند مواجه شوند. در غیر این صورت، تنظیم گری به مانع ورود و نوآوری تبدیل می شود و در عمل به سود بازیگران بزرگ تمام خواهد شد. سطح بندی تکالیف باید بر پایه شاخص هایی مانند تعداد کاربر، حجم داده، نوع داده، سهم بازار، حوزه فعالیت، تأثیر بر کودکان و گروه های آسیب پذیر، و اهمیت زیرساختی انجام شود. این سطح بندی می تواند از یک سو بار مقرراتی را کاهش دهد و از سوی دیگر، منابع محدود تنظیم گر را بر پلتفرم ها و حوزه های پرخطر متمرکز کند.

چهارمین پیش شرط، ایجاد زبان مشترک میان حقوق، فناوری، اقتصاد و علوم اجتماعی است. تنظیم گری پلتفرم ها ماهیتی میان رشته ای دارد. حقوقدانان می توانند حدود مسئولیت، ضمانت اجرا و

حقوق کاربران را تبیین کنند؛ متخصصان فناوری می توانند امکان پذیری ابزارهای پایش، امنیت داده و توضیح پذیری را ارزیابی کنند؛ اقتصاددانان می توانند آثار رقابتی و رفتارهای ضد رقابتی را تحلیل کنند؛ و پژوهشگران رسانه و علوم اجتماعی می توانند پیامدهای فرهنگی، ارتباطی و اعتماد عمومی را بررسی کنند. بنابراین، تصمیم سازی در این حوزه باید از کمیته های صرفاً اداری فاصله بگیرد و به کار گروه های تخصصی و میان رشته ای متکی شود.

از منظر پژوهشی، مقاله حاضر بر طراحی چارچوب و جعبه ابزار تمرکز داشته است؛ اما برای توسعه آن، چند مسیر آینده قابل پیشنهاد است. نخست، هر یک از بسته های سیاستی می تواند در قالب مطالعه موردی روی یک حوزه خاص، مانند وی اودی ها، تاکسی های اینترنتی، بازارگاه های آنلاین یا پیام رسان ها آزمون شود. دوم، شاخص های پیشنهادی برای شفافیت، حفاظت داده، رقابت و رسیدگی به شکایات می تواند به ابزار سنجش تجربی تبدیل شود. سوم، پژوهش های آینده می توانند دیدگاه کاربران و کسب و کارهای وابسته به پلتفرم ها را نیز وارد تحلیل کنند تا چارچوب تنظیم گری تنها از منظر تنظیم گر و خبره طراحی نشود. چهارم، مقایسه تطبیقی عمیق تر میان ایران و کشورهایی که با مسئله بومی سازی، حاکمیت داده و پلتفرم های خارجی مواجه اند، می تواند به بومی سازی دقیق تر ابزارها کمک کند.

#### فهرست منابع

- قاسم زاده عراقی، مرتضی؛ خجسته، حسن؛ و سلمانی شاه محمدی، عبدالرضا. (۱۴۰۰). ارائه الگوی حکمرانی در پلتفرم های ویدئویی آنلاین با تأکید بر نقش صنعت (خود تنظیم گری). مطالعات

- Australian Parliament. (2024). Online Safety Act 2021, No. 76: Compilation No. 3, 11 December 2024. Federal Register of Legislation. [https://www.legislation.gov.au/C2021A00076/2024-12-11/2024-12-11/text/original/epub/OEBPS/document\\_1/document\\_1.html](https://www.legislation.gov.au/C2021A00076/2024-12-11/2024-12-11/text/original/epub/OEBPS/document_1/document_1.html)
- Begen, K., & Gleiss, A. (2025). Time to break up? The case for tailor-made digital platform regulation based on platform-governance standard types. *Electronic Markets*, 35, Article 5. - <https://doi.org/10.1007/s12525-024-00747-7>
- European Parliament & Council of the European Union. (2016). Regulation (EU) 2016/679: General Data Protection Regulation. *Official Journal*, L 119, 1–88. - <https://eur-lex.europa.eu/eli/reg/2016/679/oj/eng>
- European Parliament & Council of the European Union. (2022a). Regulation (EU) 2022/2065: Digital Services Act. *Official Journal*, L 277, 1–102. <https://eur-lex.europa.eu/eli/reg/2022/2065/oj/eng>
- European Parliament & Council of the European Union. (2022b). Regulation (EU) 2022/1925: Digital Markets Act. *Official Journal*, L 265, 1–66. <https://eur-lex.europa.eu/eli/reg/2022/1925/oj/eng>
- Flew, T., & Martin, F. R. (2022). Introduction. In T. Flew & F. R. Martin (Eds.), *Digital platform regulation: Global perspectives on technology and governance* (pp. 1–21). Palgrave Macmillan. [https://doi.org/10.1007/978-3-030-95220-4\\_1](https://doi.org/10.1007/978-3-030-95220-4_1)

- Gorwa, R. (2019). The platform governance triangle: Conceptualising the informal regulation of online content. *Internet Policy Review*, 8(2). <https://doi.org/10.14763/2019.2.1407>
- Griffin, R. (2024). Codes of conduct in the Digital Services Act: Functions, benefits & concerns. *Technology and Regulation*, 2024, 167–187. <https://doi.org/10.71265/a54szq76>
- Griffin, R. (2025). Governing platforms through corporate risk management: The politics of systemic risk in the Digital Services Act. *European Law Open*, 4(2), 223–253. <https://doi.org/10.1017/elo.2025.17>
- Helberger, N. (2020). The political power of platforms: How current attempts to regulate misinformation amplify opinion power. *Digital Journalism*, 8(6), 842–854. <https://doi.org/10.1080/21670811.2020.1773888>
- Ministry of Electronics and Information Technology, India. (2022). Information Technology (Intermediary Guidelines and Digital Media Ethics Code) Rules, 2021 (updated 28 October 2022). <https://www.meity.gov.in/static/uploads/2024/02/IT-Intermediary-Rules-2021-updated-on-28.10.2022-2.pdf>
- Leerssen, P. (2024). Outside the black box: From algorithmic transparency to platform observability in the Digital Services Act. *Weizenbaum Journal of the Digital Society*, 4(2). <https://doi.org/10.34669/wi.wjds/4.2.3>
- Nooren, P., van Gorp, N., van Eijk, N., & Ó Fathaigh, R. (2018). Should we regulate digital platforms? A new framework for evaluating policy options. *Policy & Internet*, 10(3), 264–301. <https://doi.org/10.1002/poi3.177>
- Puppis, M. (2010). Media governance: A new concept for the analysis of media policy and regulation. *Communication, Culture & Critique*, 3(2), 134–149. <https://doi.org/10.1111/j.1753-9137.2010.01063.x>
- Söderlund, K., Engström, E., Haresamudram, K., Larsson, S., & Strimling, P. (2024). Regulating high-reach AI: On transparency directions in the Digital Services Act. *Internet Policy Review*, 13(1). <https://doi.org/10.14763/2024.1.1746>
- Turillazzi, A., Taddeo, M., Floridi, L., & Casolari, F. (2023). The digital services act: An analysis of its ethical, legal, and social implications. *Law, Innovation and Technology*, 15(1), 83–106. <https://doi.org/10.1080/17579961.2023.2184136>
- UK Parliament. (2023). Online Safety Act 2023, c. 50. Original enacted version. [https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2023/50/pdfs/ukpga\\_20230050\\_en.pdf](https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2023/50/pdfs/ukpga_20230050_en.pdf)
- United States Congress. (2018). 47 U.S.C. § 230: Protection for private blocking and screening of offensive material (including the 2018 amendment). Office of the Law Revision Counsel. <https://uscode.house.gov/view.xhtml?req=communications+decency+act+section+230>

## **Designing a Regulatory Framework for Platforms in Iran: Focus on Developing Policy Instruments**

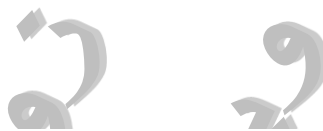
**Purpose:** This study aims to develop an instrument-based framework for regulating digital platforms in Iran, linking the identification of regulatory challenges to the selection of intervention approaches and the design of appropriate policy instruments.

**Methodology:** Adopting a qualitative approach, the study draws on policy document analysis, a literature review, comparative analysis of international regulatory experiences, and semi-structured interviews with ten experts in platform regulation and digital governance conducted in November and December 2025. The data were examined through qualitative content analysis and conceptual coding.

**Findings:** The findings highlight the importance of algorithmic transparency, user data protection, effective oversight, and platform participation in regulatory processes. Insights from expert interviews, policy documents, and international experiences informed the development of the proposed regulatory instruments.

**Conclusion:** The study proposes a policy toolbox comprising six areas: algorithmic transparency and reporting, data protection and privacy, competition regulation, user-generated content regulation, self-regulation and co-regulation, and institutional capacity building. The framework emphasizes selecting an appropriate combination of regulatory instruments based on the nature of the problem, risk levels, and institutional capacities. Its effectiveness remains subject to empirical evaluation through practical implementation.

**Keywords:** Platform Regulation; Digital Governance; Policy Tools box; Algorithmic Transparency; Data



سمیه لبافی: متولد ۱۳۶۳ و دانش‌آموخته دکترای تخصصی از دانشگاه تهران در رشته مدیریت رسانه است. ایشان فعالیت علمی خود را با عضویت در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران به عنوان هیئت علمی، آغاز کرد و هم‌اکنون دانشیار گروه مطالعات اجتماعی اطلاعات است. بیشتر فعالیت‌های او در این پژوهشگاه پیرامون رسانه‌های اجتماعی و سیاست‌گذاری رسانه‌ای است. حوزه سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین، رسانه‌های اجتماعی و روش‌های تحلیل شبکه از جمله علایق پژوهشی وی است. او بنیان‌گذار آزمایشگاه «رسانه‌های اجتماعی و حکمرانی داده‌ها» است که با هدف تسهیل کاربری سیستماتیک داده‌های رسانه‌های اجتماعی در فرایند سیاست‌گذاری راه‌اندازی شده است.

